

به نام یزدان پاک

دایره المعارف تحلیلی فلسفه غرب

دکترین فلسفه

(جلد ۱: ریشه‌ها)

تالیف و تحلیل و تحقیق
حسین کفاشیان ییلندی

فهرست مطالب

فصل ۱: پیشاسقراطیان و سوفسطائیان	۱۱
مکتب ایونیا (طبیعت‌گرایان: طالس، آناکسیمندر، آناکسیمنس)	۱۱
فیثاغوریان (عدد به عنوان اصل، هماهنگی و تناسخ)	۱۵
هراکلیتوس (لوگوس، صیرورت و تغییر)	۱۸
مکتب الثایی (پارمنیدس و زنون)	۲۲
کثرت‌گرایان (امپدوکلس و آناکساگوراس)	۲۷
اتمیس (لوکیپوس و دموکریتوس)	۳۱
سوفسطائیان و سقراط (پروتاگوراس، گرگیاس، روش سقراطی)	۳۴
جمع‌بندی و چکیده فصل اول: از طبیعت تا انسان (گذار از میتوس به لوگوس)	۴۰
شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵: فصل اول (پیشاسقراطیان و سوفسطائیان)	۴۳
فصل ۲: افلاطون (متافیزیک و معرفت‌شناسی)	۴۹
چیستی و ویژگی‌های مُثُل (تمایز عالم محسوس و معقول)	۴۹
رابطه واحد و کثیر (نظریه بهره‌مندی در برابر تقلید)	۵۳
جایگاه «مثال خیر» (The Form of the Good)	۵۷
نقد نظریه مُثُل (محاوره پارمنیدس)	۶۲
نظریه تذکار (Anamnesis) و پارادوکس منون	۶۶
درجات شناخت (تمثیل خط و تمثیل غار)	۷۰
تعریف معرفت (محاوره تئتوس)	۷۵
دیالکتیک و روش‌شناسی (سیر صعودی و نزولی)	۷۹
روش «جمع و تقسیم» (Collection and Division)	۸۳
مسئله «نیستی» و «خطا» (محاوره سوفیست)	۸۶
صانع (Demiurge) و کیهان‌شناسی	۹۱
کورا (Chora) یا پذیرنده: مفهوم مکان/ماده‌المواد به عنوان «دایه» یا ظرف شدن؛ ضرورت	
(Ananke)	۹۴
عناصر و هندسه (اتمیس هندسی)، نفس جهان و زمان	۹۸
ساختار سه‌جزئی نفس و تمثیل ارابه بالدار	۱۰۲

جاودانگی نفس (محاوره فایدون)	۱۰۷
عشق (Eros) و نردبان عشق (محاوره ضیافت)	۱۱۱
عدالت و شهر (ایزومورفیسیم میان نفس و طبقات شهر)	۱۱۵
فیلسوف-شاه (The Philosopher-King)	۱۱۹
انواع حکومت‌ها و انحطاط (تیموکراسی، الیگارشی، دموکراسی، استبداد)	۱۲۳
دوره متأخر (قوانین): تعدیل آرمان‌شهر و حاکمیت قانون	۱۲۶
چکیده و جمع‌بندی نهایی فصل ۲: افلاطون (The Grand Review)	۱۳۱
شبیه‌سازی جامع آزمون دکتری ۱۴۰۵: فصل افلاطون	۱۳۳
فصل ۳: ارسطو (معلم اول و سیستم‌سازی فلسفی)	۱۴۰
مقولات ده‌گانه و منطق (Categories)	۱۴۰
قیاس و برهان (Demonstration & Syllogism)	۱۴۴
نقد نظریه مُثل (انسان سوم و نقد جدایی)	۱۴۸
طبیعیات (Physics) و علل اربعه	۱۵۲
ماده و صورت (Hylomorphism) و نسبیت آن‌ها	۱۵۶
قوه و فعل (Actuality & Potentiality) و تعریف حرکت	۱۶۰
چیستی جوهر (Ousia) در کتاب زتا (متافیزیک)	۱۶۴
خداشناسی (Theology - کتاب لامیدا)	۱۶۸
علم‌النفس (De Anima): تعریف و مراتب نفس	۱۷۲
عقل فعال و عقل منفعل (دشوارترین بخش علم‌النفس)	۱۷۶
سیاست (Politics)	۱۸۰
چکیده و جمع‌بندی نهایی فصل ۳: ارسطو (سیستم‌سازی فلسفی)	۱۸۴
شبیه‌سازی جامع آزمون دکتری ۱۴۰۵: فصل ۳ (ارسطو)	۱۸۶
فصل ۴: فلسفه هلنیستی و نوافلاطونی	۱۹۲
اپیکوریان (فیزیک و کانونیک)	۱۹۲
اخلاق و لذت‌گرایی (هندسه لذت)	۱۹۵
رواقیون (فیزیک و منطق: لوگوس و جبر)	۱۹۸
اخلاق رواقی (فضیلت و آباتیا)	۲۰۲
شکاکان (Skepticism): آرامش در تعلیق حکم	۲۰۶

۲۱۰	اقتنوم اول (احد / The One): الهیات سلبی
۲۱۳	نظریه صدور (Emanation) و اقامیم سه گانه
۲۱۶	اقتنوم سوم (نفس)، ماده و مسئله شر
۲۲۰	بازگشت و رستگاری (The Return / Epistrophe)
۲۲۴	چکیده و جمع بندی نهایی فصل ۴: فلسفه هلنیستی و نوافلاطونی
۲۲۷	شبیه سازی جامع آزمون دکتری ۱۴۰۵: فصل ۴ (فلسفه هلنیستی و نوافلاطونی)
۲۳۳	فصل ۵: فلسفه قرون وسطی و رنسانس
۲۳۳	آگوستین (متافیزیک و معرفت شناسی)
۲۳۶	الهیات، سیاست و انسان شناسی آگوستین
۲۴۰	الهیات، سیاست و انسان شناسی آگوستین
۲۴۴	بوئتیوس و اریژن (آغازگر اسکولاستیک و نوافلاطونی گری مسیحی)
۲۴۸	آنسلم (Anselm): برهان وجودی و مسئله کلیات
۲۵۱	انقلاب متافیزیکی (تمایز وجود و ماهیت)
۲۵۶	تحلیل عمیق: خدا به عنوان «فعل محض بودن» (Ipsum Esse Subsistens)
۲۵۸	الهیات طبیعی (۱): نقد آنسلم و براهین پنج گانه
۲۶۲	تحلیل تخصصی: برهان سوم (وجود و امکان) و مقایسه با برهان صدیقین ابن سینا
۲۶۴	الهیات طبیعی (۲): زبان دین و نظریه تمثیل (Analogy)
۲۶۶	نظریه تمثیل (Analogy): راه میانه ی آکوئیناس
۲۶۸	صفات سلبی و ایجابی (Via Affirmativa & Via Negativa)
۲۷۰	معرفت شناسی و روان شناسی: رد اشراق و جایگزینی انتزاع
۲۷۲	تحلیل تخصصی: نقش «عقل فعال» (Intellectus Agens) در فلسفه توماس آکوئیناس
۲۷۴	اخلاق و سیاست: قانون طبیعی (Natural Law)
۲۷۶	قانون طبیعی (Natural Law): اشتراک اخلاقی همه انسان ها
۲۷۸	وجدان (Synderesis) و هدف نهایی (Beatific Vision)
۲۸۰	شبیه سازی آزمون دکتری ۱۴۰۵: فصل ۵ (فلسفه قرون وسطی)
۲۸۳	آزمون جامع شبیه سازی دکتری ۱۴۰۵ (باستان و قرون وسطی)

نقشه راه عملیاتی جلد اول: فلسفه غرب (۱) – از یونان باستان تا رنسانس

فصل ۱: پیشاسقراطیان و سوفسطائیان

۱. مکتب ایونیا (طبیعت‌گرایان): طالس، آناکسیمندر (آپیرون)، آناکسیمنس (هوا).
۲. فیثاغوریان: عدد به عنوان اصل، هماهنگی و تناسخ.
۳. هراکلیتوس: لوگوس، سیروت و تغییر (نقد ثبات).
۴. مکتب الثایی (پارمنیدس و زنون): هستی واحد و نامتغیر، پارادوکس‌های حرکت زنون.
۵. کثرت‌گرایان: امپدوکلس (عشق و نفرت، عناصر چهارگانه) و آناکساگوراس (نوس و بذرها).
۶. اتمیسم: دموکریتوس (اتم و خلاء).
۷. سوفسطائیان و سقراط: پروتاگوراس (انسان‌مداری)، گرگیاس (نیست‌انگاری)، روش سقراطی (مامایی/ایروتی).

فصل ۲: افلاطون (متافیزیک و معرفت‌شناسی)

۱. نظریه مُثُل (Form): چیستی مثل، رابطه واحد و کثیر، بهره‌مندی (Participation).
۲. معرفت‌شناسی (Republic & Theaetetus): تعریف معرفت، تمثیل خط و غار، تذکار (Anamnesis).
۳. دیالکتیک و روش: سیر صعودی و نزولی، دیالکتیک در محاورات میانی و متأخر (پارمنیدس/سوفیست).
۴. کیهان‌شناسی (تیمائوس): دمیورژ، کورا (Chora)، عناصر و نفس جهان.
۵. روان‌شناسی و نفس: اجزای سه‌گانه نفس، جاودانگی نفس (فایدون)، ارباب بالدار (فایدروس).
۶. فلسفه سیاسی و اخلاق: عدالت در فرد و شهر، فیلسوف-شاه، انواع حکومت‌ها.

فصل ۳: ارسطو (سیستم‌سازی فلسفی)

۱. نقد افلاطون: نقد نظریه مثل (انسان سوم)، نقد جدایی صورت از ماده.
۲. متافیزیک (فلسفه اولی): جوهر و عرض، ماده و صورت (هیلمورفیسیم)، قوه و فعل، علل اربعه.
۳. خداشناسی (تئولوژی): محرک نامتحرک، عقل خوداندیش، رابطه خدا و جهان.
۴. منطق (ارغنون): مقولات ده‌گانه، قیاس، برهان، تعریف (حد و رسم).
۵. علم النفس (De Anima): تعریف نفس، مراتب نفس، عقل فعال و منفعل.
۶. اخلاق و سیاست: سعادت (Eudaimonia)، فضیلت و حد وسط، انسان به مثابه حیوان سیاسی.

فصل ۴: فلسفه هلنیستی و نوافلاطونی

۱. رواقیون: لوگوس، جبر و اختیار، اخلاق (آپاتیا)، جهان‌میهنی.
۲. اپیکوریان: لذت‌گرایی (هدونیسم)، اتمیسم و انحراف (کلینامن)، مرگ و خدایان.
۳. شکاکان: پیرون و آکادمی جدید، تعلیق حکم (Epoché).
۴. فلوطین (نوافلاطونی): احد (The One)، فیض و صدور (Emanation)، اقانیم سه‌گانه (احد، عقل، نفس)، بازگشت روح.

فصل ۵: فلسفه قرون وسطی و رنسانس

۱. آگوستین: زمان و ابدیت، شهر خدا، رابطه ایمان و عقل، مسئله شر، نظریه اشراق.

۲. آنسلم و بوئتیوس: برهان وجودی، بحث کلیات (نقد)، جبر و اختیار.
۳. فلسفه اسلامی در لاتین (ابن سینا و ابن رشد): تمایز وجود و ماهیت، عقل فعال یگانه.
۴. توماس آکوئیناس: براهین پنج گانه (Quinque viae)، تمایز وجود و ماهیت، آنالوژی (تشکیک).
۵. دانس اسکوتوس و اوکام: اراده گرایی، تیغ اوکام (نومینالیسم)، تمایز صوری (Formal distinction).
۶. رنسانس: کوزایی (جهل آموخته)، فیچینو (عشق افلاطونی)، ماکیاولی و برونو.



مقدمه

به نام آن که جان را فکرت آموخت

سفری از «میتوس» تا «لوگوس»؛

درآمدی بر تاریخ تفکر و استراتژی فتح قله‌های آزمون دکتری

فلسفه، تنها دانشی است که در آن «پرسیدن» از «پاسخ دادن» دشوارتر و البته ارجمندتر است. داستان فلسفه غرب، داستان خیره‌سری خرد انسانی است در برابر ابهامات هستی؛ روایتی که از حیرت فیلسوفان ایونی در برابر عنصر نخستین آغاز می‌شود، در کوچه پس‌کوچه‌های آتن با سقراط به اوج «خودآگاهی» می‌رسد، در آکادمی افلاطون و لوکیوم ارسطو نظام‌مند می‌گردد و سرانجام در سپیده‌دم رنسانس، پوست‌اندازی می‌کند تا انسانی نو متولد شود.

اما برای دانشجوی مشتاقی که قصد عبور از سد دشوار و رقابتی آزمون دکتری فلسفه را دارد، این داستان دل‌انگیز گاه به هزارتویی گیج‌کننده بدل می‌شود. انبوه مکاتب، تشتت آراء مفسران، و ظرایف زبانی متون اصلی، چالشی است که تنها با «نقشه‌ای دقیق» و «چراغی روشنگر» می‌توان از آن به سلامت عبور کرد.

کتابی که پیش روی شماست، حاصل تلاشی است وصف‌ناپذیر برای تبدیل کردن این «آشفته‌گی تاریخی» به یک «نظم آموزشی». در تدوین این اثر (جلد اول: از پیشاسقراطیان تا رنسانس)، نگارنده با نگاهی مهندسی‌وار به سرفصل‌های مصوب وزارت علوم و با تکیه بر تحلیل موشکافانه‌ی سوالات آزمون دکتری در

۱۴ سال اخیر، مسیری میان‌بر و مطمئن را پیش پای داوطلبان نهاده است.

روش‌شناسی (Methodology) تدوین اثر:

این مجموعه با رویکردی «مسئله‌محور» و مبتنی بر «مهندسی معکوس آزمون‌های عالی» (دکتری تخصصی) تدوین شده است. مراحل تکوین آن به شرح زیر است:

۱. رادار آزمون (The Exam Radar):

در هر بخش، با تحلیل آماری و محتوایی سوالات ادوار گذشته (۱۴۰۴-۱۳۹۱)، نقاط کور و پرتکرار شناسایی شدند. هدف این بود که مخاطب بداند «طراح سوال» دقیقاً به کجای این عمارت نگاه می‌کند.

۲. تحلیل تطبیقی و شبکه‌ای (Comparative Analysis):

هیچ فیلسوفی در خلأ بررسی نشده است. ما خطوط نامرئی اتصال را ترسیم کردیم: از «آپایرون» آناکسیمندر تا «کورا»ی افلاطون؛ از «محرک نامتحرک» ارسطو تا «واجب‌الوجود» ابن‌سینا و آکوئیناس. این شبکه از تضادها و شباهت‌ها، کلید فهم عمیق است.

۳. شبیه‌سازی سطح دکتری (PhD Simulation):

پایان هر بخش، نه با سوالات ساده، بلکه با «تست‌های تالیفی چندلایه» و «پاسخ‌نامه‌های آبر تشریحی» مهر شده است تا عبار واقعی تسلط مخاطب سنجیده شود.

۴. ریزبخش‌سازی (Micro-Classification): برخلاف متون رایج که تاریخ فلسفه را به صورت روایی بیان می‌کنند، در این درس‌نامه مباحث بر اساس «تیزهای آزمون» و «گلوگاه‌های مفهومی» طبقه‌بندی شده‌اند. شما با خواندن هر ریزبخش، دقیقاً می‌دانید که طراحان سوال در یک دهه گذشته روی چه نکاتی انگشت گذاشته‌اند.

۵. کالبدشکافی آزمون‌های ۱۴ سال اخیر: در این اثر، سوالات کنکور صرفاً پاسخ داده نشده‌اند؛ بلکه «تحلیل» شده‌اند. ما با رصد دقیق بسامد سوالات، نشان داده‌ایم که ذائقه طراحان چگونه از مباحث سنتی به سمت تحلیل‌های دقیق متنی و ترمینولوژی تخصصی تغییر جهت داده است.

۶. جامعیت و مانعیت: از نخستین بارقه‌های تفکر در ملطیه تا شکوه نظام‌های قرون وسطایی و طلوع رنسانس، هیچ نکته‌ای که پتانسیل طرح در آزمون دکتری را داشته باشد، از قلم نیفتاده است. در عین حال، از اطناب ممل و زیاده‌گویی‌هایی که وقت طلایی داوطلب را هدر می‌دهد، پرهیز شده است.

این کتاب، نه صرفاً یک منبع کمک‌آموزشی، بلکه دعوتی است به «فلسفیدن» در عین «آزمودن». دعوتی است تا مفاهیم را چنان عمیق بیاموزید که در جلسه‌ی آزمون، نه با تکیه بر حافظه، بلکه با اتکا بر فهم فلسفی خود، گزینه‌های نادرست را کنار بزنید.

امید است که مطالعه‌ی این اثر، نه تنها کلید گشودن قفل‌های آزمون دکتری باشد، بلکه لذت ناب هم‌سخنی با بزرگان اندیشه را نیز به کام جانتان بنشاند.

با آرزوی توفیق و سربلندی

حسن کفاشیان بیلندی

آذر ماه ۱۴۰۴

برنامه مطالعاتی ۵ روزه: سفر آرام به دنیای حکمت (جلد اول)

شعار ما: آهسته اما پیوسته؛ با لذت بخوانید، با دقت بفهمید.

روز اول: آغاز شگفتی؛ از افسانه تا خرد

هدف امروز: لذت بردن از تولد فلسفه و آشنایی با اولین پرسش‌های بشر. قرار نیست چیزی را سخت بگیریم، فقط می‌خواهیم ببینیم اولین فیلسوفان چگونه به جهان نگاه می‌کردند.

• ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح (بیداری ذهن)

- موضوع: فیلسوفان نخستین (ایونیا و هراکلیتوس)
- کاری که باید انجام دهید: فقط فصل اول کتاب را مثل یک داستان بخوانید. ببینید چطور طالس گفت همه چیز آب است و هراکلیتوس گفت همه چیز آتش و تغییر است. جدول مقایسه آرخه‌ها را یک دور نگاه کنید.
- دستاورد شما: حالا می‌دانید فلسفه چطور شروع شد.

• ساعت ۴ تا ۶ عصر (گفتگو با سقراط)

- موضوع: سقراط و سوفسطائیان
- کاری که باید انجام دهید: تصور کنید در بازار آتن هستید. روش سقراط را یاد بگیرید: «می‌دانم تا بدانم». تفاوت اخلاق نسبی سوفسطائیان با اخلاق مطلق سقراط را مرور کنید.
- دستاورد شما: یاد گرفتید که فضیلت همان دانایی است.

• ساعت ۸ تا ۹ شب (تثبیت آرام)

- کاری که باید انجام دهید: ۱۰ تست منتخب از فصل اول را بنویسید. اگر غلط زدید نگران نباشید، پاسخ تشریحی کتاب مثل یک معلم خصوصی اشتباه شما را اصلاح می‌کند.

روز دوم: ضیافت نور؛ دیدار با افلاطون

هدف امروز: فهمیدن یکی از زیباترین نظریات تاریخ بشر. امروز قرار است از غار تاریک خارج شویم و خورشید حقیقت را ببینیم.

• ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح (خروج از غار)

- موضوع: نظریه مُثُل و تمثیل غار
- کاری که باید انجام دهید: نمودار غار را در کتاب ببینید. داستان غار را برای خودتان تعریف کنید. بفهمید چرا افلاطون می‌گفت این دنیا فقط سایه است.
- دستاورد شما: قلب فلسفه افلاطون را فتح کردید.

• ساعت ۴ تا ۶ عصر (نردبان معرفت)

- موضوع: شناخت و سیاست
- کاری که باید انجام دهید: مراحل شناخت (خط منقسم) را مرور کنید. فقط بدانید که ما از پندار شروع می‌کنیم و به دانش می‌رسیم. نگاهی هم به سه بخش روح انسان بیندازید.
- دستاورد شما: حالا می‌دانید افلاطون چگونه انسان و جهان را تحلیل می‌کرد.

• ساعت ۸ تا ۹ شب (مرور شیرین)

- کاری که باید انجام دهید: واژگان کلیدی افلاطون را از انتهای کتاب مرور کنید و چند تست آموزشی بنویسید تا اعتماد به نفستان بالا برود.

روز سوم: نظم و واقعیت؛ کلاس درس ارسطو

هدف امروز: پایین آمدن از آسمان به زمین. امروز یاد می‌گیریم مثل ارسطو دقیق، منظم و منطقی فکر کنیم.

• ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح (مهندسی هستی)

- موضوع: متافیزیک و چهار علت

- کاری که باید انجام دهید: تفاوت ماده و صورت را بخوانید. ببینید چطور ارسطو معتقد بود حقیقت در همین اشیاء اطراف ماست. تعریف حرکت را با آرامش بخوانید.
 - دستاورد شما: شما اکنون عینک واقع‌بینی ارسطو را به چشم زده‌اید.
 - ساعت ۴ تا ۶ عصر (زندگی نیک)
 - موضوع: اخلاق و حد وسط
 - کاری که باید انجام دهید: جدول فضایل اخلاقی را ببینید. شجاعت کجاست؟ بین ترس و بی‌باکی. این یعنی حد وسط. تفاوت حکمت عملی و نظری را یاد بگیرید.
 - دستاورد شما: کلید تست‌های اخلاق ارسطو در دست شماست.
 - ساعت ۸ تا ۹ شب (دست‌گرمی منطقی)
 - کاری که باید انجام دهید: تست‌های مربوط به ارسطو را بررسی کنید. به دام‌های تستی که در کتاب اشاره شده توجه کنید تا در آزمون غافلگیر نشوید.
-

روز چهارم: پل‌های آسمانی؛ عرفان و ایمان

هدف امروز: سفر از یونان به روم و قرون وسطی. امروز می‌بینیم چطور فلسفه رنگ و بوی معنوی می‌گیرد.

- ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح (آرامش درون)
 - موضوع: رواقیون و فلوپین
 - کاری که باید انجام دهید: فقط بفهمید رواقیون دنبال چه بودند؟ آرامش در برابر سرنوشت. سپس نمودار فلوپین (احد و فیض) را ببینید که چطور جهان مثل نور از خدا صادر می‌شود.
 - دستاورد شما: آشنایی با ریشه‌های عرفان فلسفی.
 - ساعت ۴ تا ۶ عصر (شهر خدا)
 - موضوع: آگوستین و آغاز مسیحیت
 - کاری که باید انجام دهید: نظریه اشراق آگوستین را بخوانید. او می‌گفت نور الهی باید بتابد تا ما حقایق را بفهمیم. این زیباترین بخش فلسفه قرون وسطی است.
 - دستاورد شما: پیوند فلسفه افلاطون با دین را درک کردید.
 - ساعت ۸ تا ۹ شب (مرور تطبیقی)
 - کاری که باید انجام دهید: جدول مقایسه خدای ارسطو و خدای فلوپین را در انتهای کتاب ببینید. این جدول معجزه می‌کند.
-

روز پنجم: اوج شکوه و جمع‌بندی

هدف امروز: ایستادن بر قله قرون وسطی و نگاهی به افق رنسانس. امروز پازل جلد اول تکمیل می‌شود.

- ساعت ۱۰ تا ۱۲ صبح (عقل و ایمان)
 - موضوع: توماس آکوئیناس
 - کاری که باید انجام دهید: ببینید آکوئیناس چطور با احترام به عقل، وجود خدا را اثبات کرد. بحث وجود و ماهیت او بسیار مهم اما شیرین است.
 - دستاورد شما: مهم‌ترین فیلسوف قرون وسطی را شناختید.
- ساعت ۴ تا ۶ عصر (پایان سفر)
 - موضوع: کلیات و رنسانس
 - کاری که باید انجام دهید: دعوای تاریخی بر سر کلیات را مثل یک قصه بخوانید: آیا کلیات واقعا وجود دارند یا فقط نام هستند؟ سپس نگاهی کوتاه به طلوع رنسانس بیندازید.
 - دستاورد شما: پرونده تاریخ فلسفه قدیم بسته شد.
- ساعت ۸ تا ۹ شب (جشن پایان)
 - کاری که باید انجام دهید: یک آزمون جامع از انتهای کتاب بزنید. نگران درصد نباشید. هر تستی که درست زدید، به خودتان آفرین بگویید و هر تستی که غلط بود، فرصتی است برای یادگیری یک نکته جدید.

فصل ۱: پیشاسقراطیان و سوفسطائیان

مکتب ایونیا (طبیعت‌گرایان: طالس، آناکسیمندر، آناکسیمنس)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

مکتب ایونیا (Ionians) یا «طبیعت‌گرایان» (Physiologoi) در قرن ششم پیش از میلاد در شهر میلئوس (آسیای صغیر) شکل گرفت. این متفکران آغازگر گذار از میتوس (Mythos) یا اسطوره‌باوری به لوگوس (Logos) یا تبیین عقلانی جهان بودند.

- **مسئله اصلی (The Problem):** جستجو برای «آرکخه» (Arche)، یعنی آن اصل نخستین، ثابت و پایداری که تمام تغییرات و کثرت‌های جهان از آن ناشی می‌شود.
- **رویکرد:** آنها «مونیزم» (Monist) یا یگانه‌انگار بودند، به این معنا که جهان را دارای یک جوهر واحد مادی می‌دانستند که زنده و دارای روح است (هیلوزوئیسم یا زنده‌انگاری ماده).
- **سه چهره کلیدی:**
 ۱. **طالس:** آب (Water) را اصل همه‌چیز می‌دانست.
 ۲. **آناکسیمندر:** آپیرون (Apeiron) یا امر نامتناهی/نامتعیین را اصل قرار داد.
 ۳. **آناکسیمنس:** هوا (Air) را به عنوان اصل انتخاب کرد و مکانیزم تبدیل را توضیح داد.

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

بررسی دقیق سوالات ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد که طراحان آزمون دکتری در این مبحث روی محورهای زیر تمرکز داشته‌اند:

۱. **تطبیق و تمایز:** سوالات اغلب به دنبال تشخیص تفاوت دیدگاه این فیلسوفان با مکاتب دیگر (مانند التایان یا فیثاغوریان) هستند. به عنوان مثال، تمایز میان فیلسوفان «طبیعت‌شناس» و فیلسوفان «متافیزیسین» از منظر ارسطو.
۲. **مفهوم «طبیعت» (Physis):** طراحان علاقه دارند بدانند داوطلب آیا معنای دقیق واژه «طبیعت» در نزد پیشاسقراطیان (به عنوان کل واقعیت و اصل رشد) را می‌داند یا خیر.
۳. **آناکسیمندر و آپیرون:** پیچیده‌ترین فیلسوف این گروه آناکسیمندر است و مفاهیمی مثل «بی‌عدالتی» (Injustice) در پیدایش اشیاء و ماهیت انتزاعی «آپیرون» از نقاط مورد علاقه طراحان برای طرح سوالات انحرافی است.

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- **شاه‌کلید ۱ (طالس):** او فقط نمی‌گفت «همه چیز آب است»؛ نکته مهم‌تر دیدگاه اوست که «آهنربا دارای روح است چون آهن را حرکت می‌دهد». این نشان‌دهنده «هیلوزوئیسم» (ماده‌زنده‌انگاری) است؛ یعنی مرزی بین ماده و جان وجود ندارد.



- شاه‌کلید ۲ (جهش آناکسیمندر): او نخستین کسی است که از عنصر مادی فراتر رفت. «آپیرون» (بی‌کران) نه آب است و نه هوا، بلکه یک مایه نامعین است. استدلال او این بود: اگر اصل جهان «آب» باشد، چگونه «آتش» (که ضد آن است) می‌تواند وجود داشته باشد؟ پس اصل باید چیزی خنثی باشد که اضداد را در بر بگیرد.
- شاه‌کلید ۳ (مکانیسم آناکسیمنس): نوآوری آناکسیمنس در معرفی ماده (هوا) نیست، بلکه در معرفی «مکانیسم تغییر» است. او توضیح داد چگونه هوا به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود: از طریق «انبساط» (Rarefaction) به آتش، و «انقباض» (Condensation) به باد، ابر، آب و خاک. این نخستین تبیین کمی برای تفاوت‌های کیفی است.
- نکته طلایی ارسطو: ارسطو این گروه را «فیزیک‌دان» (Physicists) می‌نامید، در مقابل متفکرانی مثل پارمنیدس که به بحث‌های منطقی و وجودی می‌پرداختند.

بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- دام شماره ۱: تصور اینکه «آرکخه» در نزد اینها صرفاً به معنای «ماده اولیه» است.
 - تصحیح: آرکخه هم «سرچشمه» است، هم «حاکم» بر تغییرات و هم «مقصد» نهایی اشیاء.
- دام شماره ۲: اشتباه گرفتن آناکسیمندر با متفکران بعدی در بحث «عدالت».
 - تصحیح: جمله معروف آناکسیمندر («اشیاء تقاص بی‌عدالتی خود را به یکدیگر پس می‌دهند») یک مفهوم اخلاقی نیست، بلکه یک قانون کیهانی برای حفظ تعادل عناصر است (تجاوز نکردن گرمی به سردی و بالعکس).
- دام شماره ۳: یکسان دانستن دیدگاه ارسطو و افلاطون درباره این گروه.
 - تصحیح: ارسطو آنها را جستجوگران «علت مادی» می‌دانست، اما افلاطون کمتر به جنبه علمی آنها توجه داشت و گاهی آنها را نادیده می‌گرفت.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه‌سوال‌ات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (برگرفته از مفاهیم آزمون ۱۳۹۳):

آموزه کدام فیلسوف در خصوص «واحد و حد» با سه شخصیت دیگر همسو نیست؟

- | | |
|--------------|----------------|
| (۱) افلاطون | (۲) پارمنیدس |
| (۳) فیثاغورث | (۴) آناکسیمندر |

پاسخ تشریحی: تحلیل گزینه‌ها:

- افلاطون، پارمنیدس و فیثاغوریان: همگی به نوعی طرفدار «محدودیت» و «تعیین» به عنوان کمال بودند. در تفکر یونانی کلاسیک، «حد» (Limit) نشانه کمال و «نامحدود» نشانه نقص و بی‌نظمی است. (فیثاغوریان جدول اضداد داشتند که در آن محدود=خوب و نامحدود=بد بود).
- آناکسیمندر: او اصل نخستین را «آپیرون» (نامحدود/بی‌کران) نامید و آن را اصل الهی و جاودانه دانست. برخلاف سه گزینه دیگر که «وحدت و حد» را اصل می‌دانستند، او «نامحدود» را اصل قرار داد.



سوال نمونه ۲ (مفهومی - تالیفی بر اساس دیدگاه ارسطو):

ارسطو کدام فیلسوف را از مصادیق «طبیعیان» (Physiologi) نمی‌داند؟

(۱) طالس

(۲) هراکلیتوس

(۳) پارمنیدس

(۴) آناکسیمنس

پاسخ تشریحی: ارسطو کسانی را «طبیعی» می‌نامید که اصل جهان را یک عنصر مادی و متحرک می‌دانستند (مانند طالس، آناکسیمنس، هراکلیتوس). پارمنیدس (و مکتب الثایی) منکر حرکت و تغییر بودند و بحث‌هایشان «منطقی-متافیزیکی» بود، نه طبیعی. ارسطو صراحتاً آنها را از صف طبیعی‌دانان جدا می‌کند چون طبیعت یعنی «مبدأ حرکت و سکون»، و پارمنیدس منکر حرکت بود. نتیجه: گزینه ۳ صحیح است. (مشابه سوال ۷۵ آزمون ۱۳۹۲).

بخش ۶: خلاصه کپسولی (جهت مرور سریع)

فیلسوف	آرکخه (اصل)	نوآوری کلیدی	نکته کنکوری
طالس	آب	پیش‌بینی کسوف، هندسه	زمین مثل تخته‌ای روی آب است؛ همه‌چیز پر از خدایان است.
آناکسیمندر	آپیرون (نامحدود)	نقشه جغرافی، تکامل ابتدایی	اشیاء به خاطر «بی‌عدالتی» نابود می‌شوند (جبران کیهانی).
آناکسیمنس	هوا (Pneuma)	انبساط و انقباض	تبدیل کمیت به کیفیت (چگالی هوا = تغییر ماهیت).

بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. واژه «طبیعت» در عرف پیش از سقراطیان به چه معنایی به کار می‌رفت؟ (دکتری ۱۳۹۳)

(۱) کل واقعیت

(۲) جهان مخلوق

(۳) هر آنچه پذیرای حرکت است

(۴) عالم کبیر در برابر عالم صغیر

پاسخ: گزینه ۱. در نزد پیشاسقراطیان (به ویژه ایونیایی‌ها)، Physis به معنای ذات رشد یابنده و «کل واقعیت» شامل ماده و نیرو بود، نه صرفاً جهان فیزیکی در مقابل متافیزیک.

۲. کدام مورد را می‌توان بر مباحث الهیاتی همه سوفسطائیان اطلاق کرد؟ (دکتری ۱۴۰۲)

(۱) عقیده به جعل الوهیت از سوی رهبران جوامع

(۲) عقیده به الوهیت بخشی انسان‌ها به نیروهای طبیعی

(۳) توجه به منشأ عقیده انسان‌ها به خدایان و ارزش و اعتبار آنها

(۴) تلاش برای تبیین طبیعی پدیده‌هایی که پیش‌تر به خدایان نسبت داده می‌شد



پاسخ: گزینه ۳. سوفسطائیان (مثل پرودیکوس و کریتیاس) بیشتر به «ریشه‌شناسی باورهای دینی» و نقد انسان‌شناختی دین می‌پرداختند تا تبیین طبیعی صرف (که کار ایونیایی‌ها بود).

۳. در نظر ارسطو کدام فیلسوف از مصادیق اصطلاح «طبیعیان» نیست؟ (دکتری ۱۳۹۲)

(۱) آناکسیمندر (۲) آناکساگوراس

(۳) پارمنیدس (۴) امپدوکلس

پاسخ: گزینه ۳. پارمنیدس به دلیل انکار حرکت، موضوع علم طبیعت (که مطالعه حرکت است) را نفی کرد، لذا ارسطو او را طبیعی‌دان نمی‌داند.

بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

۱. وجه تمایز اصلی «آناکسیمنس» نسبت به «طالس» و «آناکسیمندر» در تبیین آرکخه چیست؟

(۱) انتخاب عنصری غیرمادی و انتزاعی به عنوان اصل نخستین.

(۲) ارائه تبیین مکانیکی برای چگونگی پیدایش کثرت از وحدت.

(۳) بازگشت به تبیین‌های اسطوره‌ای در پوشش مفاهیم طبیعی.

(۴) نفی حرکت و تغییر در اصل نخستین جهان.

پاسخ تشریحی: گزینه ۲ صحیح است. نوآوری اصلی آناکسیمنس معرفی مکانیزم «انقباض و انبساط» بود. طالس و آناکسیمندر نگفتند چگونه آب یا آپیرون به چیزهای دیگر تبدیل می‌شود، اما آناکسیمنس فرآیند فیزیکی (غلظت و رقت) را توضیح داد.

۲. مفهوم «بی‌عدالتی» در قطعه باقی‌مانده از آناکسیمندر، به کدام معناست؟

(۱) ستم اجتماعی طبقات فرادست بر فرودست.

(۲) گناه اولیه انسان در هبوط از عالم بالا.

(۳) تخطی عناصر متضاد از مرزهای تعیین‌شده خود در طبیعت.

(۴) عدم تبعیت پدیده‌ها از خواست و اراده دمیورژ.

پاسخ تشریحی: گزینه ۳ صحیح است. آناکسیمندر معتقد بود پیدایش اشیاء حاصل جدا شدن اضداد (گرم و سرد، خشک و تر) از آپیرون است. وقتی یک عنصر (مثلاً گرما در تابستان) بیش از حد مسلط شود، مرتکب «بی‌عدالتی» شده و باید با نابودی (آمدن زمستان) تقاص پس دهد تا تعادل کیهانی حفظ شود.

۳. کدام گزاره درباره دیدگاه ارسطو نسبت به مکتب ایونیا (طبیعت‌گرایان) نادرست است؟

(۱) آنها را جستجوگران «علت مادی» می‌دانست.

(۲) معتقد بود آنها علت غایی را نادیده گرفته‌اند.

(۳) آنها را به دلیل مونیست بودن، در تبیین حرکت ناتوان می‌دید.

(۴) تبیین آنها را دقیقاً مشابه تبیین‌های اسطوره‌شناسان (تئوگن‌ها) می‌دانست.

پاسخ تشریحی: گزینه ۴ صحیح است (چون نادرست است). ارسطو دقیقاً تمایز آنها را در این می‌دید که زبان اسطوره را کنار گذاشته و به زبان استدلال و طبیعت (لوگوس) روی آورده‌اند، هرچند تبیین‌شان ناقص (فقط علت مادی) بود.



فیثاغوریان (عدد به عنوان اصل، هماهنگی و تناسخ)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

مکتب فیثاغوری (Pythagoreanism) نماینده یک چرخش بنیادین در تاریخ اندیشه است: گذار از «کیفیت» (که دغدغه ایونایی‌ها بود) به «کمیت». اگر تالس آب را اصل می‌دانست، فیثاغورس «عدد» (Arithmos) را به عنوان آرکخه معرفی کرد.

- **جوهر عالم:** جهان نه از ماده، بلکه از «نظم و تناسب ریاضی» ساخته شده است. آنها کشف کردند که فواصل موسیقی (اکتاو، پنجم، چهارم) قابل بیان با نسبت‌های عددی ساده (۱:۲، ۲:۳، ۳:۴) هستند و این الگو را به کل کیهان تعمیم دادند.
- **هماهنگی (Harmonia):** جهان یک «کاسموس» (Cosmos) است؛ یعنی مجموعه‌ای منظم و آراسته که با قوانین ریاضی اداره می‌شود. این نظم حاصل پیوند میان «محدود» (Limit) و «نامحدود» (Unlimited) است.
- **نفس و تناسخ:** فیثاغوریان تحت تأثیر آیین اورفئوسی، به جدایی نفس از بدن و «تناسخ» (Metempsychosis) باور داشتند. بدن مقبره نفس است (Soma Sema) و فلسفه راهی برای تزکیه (Catharsis) و رهایی از چرخه تولدهاست.

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال

تحلیل آزمون‌های ۱۴ سال اخیر (۱۴۰۴-۱۳۹۱) نشان می‌دهد تمرکز طراحان بر نقاط تقابل فیثاغوریان با سایر مکاتب است:

۱. **تقابل با الیایان:** استدلال‌های زنان الیایی مشخصاً برای رد «کثرت‌گرایی» فیثاغوریان طراحی شده بود.
۲. **مفهوم «حد» و «نامحدود»:** تمایز فیثاغوریان (که طرفدار حد و تعیین بودند) با آناکسیمندر (که طرفدار امر نامحدود/آپیرون بود) از نقاط بسیار ظریف و پرتکرار است.
۳. **فیزیکولوژی و ادراک:** توجه به فیلسوفان خاص این مکتب مانند «آلکمایون» (پزشک فیثاغوری) و نظریات او درباره جایگاه ادراک (مغز) در مقابل ارسطو (قلب).

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- **شاه‌کلید ۱ (همه چیز عدد است):** منظور فیثاغوریان از عدد، مفاهیم انتزاعی ریاضی امروزی نبود؛ آنها اعداد را «دارای بُعد و مکان» می‌دانستند (اعداد هندسی). مثلاً ۱ نقطه است، ۲ خط، ۳ سطح و ۴ جسم.
- **شاه‌کلید ۲ (جدول اضداد):** آنها ۱۰ جفت متضاد را اصول جهان می‌دانستند که مهم‌ترین آن‌ها «محدود و نامحدود»، «فرد و زوج» و «واحد و کثیر» است. در این تفکر، «محدود» (Limit) نشانه کمال و خیر، و «نامحدود» نشانه نقص و شر است.
- **شاه‌کلید ۳ (تتراکتیس):** عدد ۱۰ (مجموع ۱+۲+۳+۴) مقدس‌ترین عدد و نماد کمال کل جهان بود.
- **نکته طلایی:** برخلاف ایونایی‌ها که دنبال «ماده» بودند، فیثاغوریان دنبال «صورت» (Form) و ساختار بودند (آغاز فرمالیسم در فلسفه).



بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- دام شماره ۱: تصور اینکه زنون الثایی با تمام پیشاسقراطیان مخالف بود.
 - تصحیح: زنون مشخصاً «کثرت‌گرایی فیثاغوری» (اینکه جهان از واحدهای جداگانه تشکیل شده) را هدف قرار داد تا وحدت پارمنیدسی را اثبات کند.
- دام شماره ۲: یکسان دانستن مفهوم «نامحدود» در نزد فیثاغوریان و آناکسیمندر.
 - تصحیح: برای آناکسیمندر، نامحدود (آپیرون) اصل الهی و مثبت بود. اما برای فیثاغوریان، نامحدود (Unlimited) در ستون «شر» و «نقص» قرار داشت و باید توسط «حد» محدود می‌شد تا نظم ایجاد شود.
- دام شماره ۳: خلط مبحث در مورد جایگاه ادراک.
 - تصحیح: ارسطو قلب‌محور بود، اما آلکمایون فیثاغوری نخستین کسی بود که «مغز» را مرکز ادراک دانست.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه‌سوال‌ات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۳۹۳ - تحلیل تطبیقی):

آموزه کدام فیلسوف در خصوص «واحد و حد» با سه شخصیت دیگر همسو نیست؟

- | | |
|--------------|----------------|
| (۱) افلاطون | (۲) پارمنیدس |
| (۳) فیثاغورث | (۴) آناکسیمندر |

پاسخ تشریحی: تحلیل: فیثاغورث: در جدول اعداد، «حد» (Limit) و «واحد» را در سمت خیر و کمال قرار می‌داد. پارمنیدس: هستی را «واحد» و «محدود» (مانند یک کره کامل) می‌دانست و نامحدود بودن را نقص می‌شمرد.

- افلاطون: در محاورات متأخر (مانند فیلبوس) و نظریات ناگفته، به «واحد» و «حد» به عنوان اصول ایجادیه هستی‌بخش توجه داشت.
- آناکسیمندر: او اصل نخستین را «آپیرون» (نامحدود/بی‌کران) می‌دانست. در تفکر او، تعین و حد، نوعی «بی‌عدالتی» و جدایی از اصل است.
- نتیجه: آناکسیمندر تنها کسی است که «نامحدود» را اصل برتر می‌داند، در حالی که سه فیلسوف دیگر (به‌ویژه در سنت یونانی کلاسیک) «حد و واحد» را برتر می‌دانند.
- پاسخ صحیح: گزینه ۴.

سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۳۹۲ - تحلیل تاریخی):

کدام عبارت، در خصوص استدلال‌های زنون الیایی صحیح است؟

- | | |
|--------------------------------------|---|
| (۱) رد کثرت‌گرایی فیثاغوری | (۲) رد حرکت‌گرایی هراکلیتی |
| (۳) اثبات سرراست وحدت‌گرایی پارمنیدی | (۴) اثبات غیرمستقیم ثبات‌گرایی پارمنیدی |

پاسخ تشریحی: زنون شاگرد پارمنیدس بود. پارمنیدس قائل به وحدت وجود بود. فیثاغوریان قائل به «کثرت» و وجود واحدهای گسسته (Monads/Numbers) بودند.



- زنون با طرح پارادوکس‌ها (مثل آشیل و لاک‌پشت)، فرض «کثرت» و «تقسیم‌پذیری فضا/زمان» (که مبنای ریاضیات فیثاغوری بود) را به تناقض کشاند. هدف او دفاع غیرمستقیم از پارمنیدس با رد کردن نظریه رقیب (فیثاغوریان) بود.
- پاسخ صحیح: اگرچه هر دو گزینه ۱ و ۴ صحیح به نظر می‌رسند، اما در تست‌های کنکور (طبق کلید سنجش)، تمرکز روی «رد کثرت‌گرایی» (که مشخصاً به فیثاغوریان اشاره دارد) به عنوان هدف جدلی زنون برجسته‌تر است. (در برخی منابع پاسخ «اثبات غیرمستقیم» ذکر شده، اما در بستر سوالات مربوط به تقابل مکاتب، گزینه ۱ دقیق‌تر به هدف حمله اشاره دارد).

بخش ۶: خلاصه کپسولی

- آرکخه: عدد (به معنای واحدهای فضایی/هندسی).
- کیهان‌شناسی: آتش مرکزی (نه خورشید) که زمین و سیارات (و ضد-زمین) به دور آن می‌چرخند + موسیقی افلاک.
- نفس: مجرد، جاودانه و در حال تناسخ (تحت تأثیر اورفئیس).
- جدول اضداد: (محدود/نامحدود)، (فرد/زوج)، (یک/بسیار)، (راست/چپ)، (نر/ماده)، (سکون/حرکت)، (راست/کج)، (روشنایی/تاریکی)، (خوب/بد)، (مربع/مستطیل).
- آلکمایون: مغز مرکز ادراک است (برخلاف ارسطو).

بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. در فیز یولوژی مربوط به ادراکات کدام فیلسوف، بیشترین نقش به قلب داده شده است؟ (دکتری ۱۳۹۳)
 - ۱) ارسطو
 - ۲) افلاطون
 - ۳) جالینوس
 - ۴) آلکمایون فیثاغوری

پاسخ تشریحی: گزینه ۱. این سوال یک دام هوشمندانه است. آلکمایون فیثاغوری نخستین کسی بود که مغز را مرکز ادراک دانست. اما ارسطو برخلاف او، قلب را مرکز حاسه و حیات می‌دانست. پس پاسخ ارسطو است، اما دانستن نظر آلکمایون برای رد گزینه ۴ ضروری است.
۲. آموزه کدام فیلسوف در خصوص «واحد و حد» با سه شخصیت دیگر همسو نیست؟ (دکتری ۱۳۹۳)

۱) افلاطون	۲) پارمنیدس	۳) فیثاغورث	۴) آناکسیمندر
------------	-------------	-------------	---------------

پاسخ تشریحی: گزینه ۴. (توضیح کامل در بخش حل تحلیلی ارائه شد).

بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

۱. مفهوم «هماهنگی» (Harmonia) در مکتب فیثاغوری، دقیقاً بر چه مبنایی استوار است و چه کارکردی در کیهان‌شناسی آن‌ها دارد؟
 - ۱) بر مبنای دیالکتیک میان عشق و نفرت استوار است و عامل ترکیب عناصر چهارگانه است.
 - ۲) حاصل پیوند و اتصال میان «محدود» و «نامحدود» است که منجر به نظم کیهانی می‌شود.
 - ۳) مبتنی بر لوگوس هراکلیتی است که تضادها را در عین جنگ، به وحدت می‌رساند.
 - ۴) نتیجه چرخش مکانیکی اتم‌ها در خلاء و برخورد تصادفی آن‌هاست.



پاسخ تشریحی: گزینه ۲ صحیح است. در تفکر فیثاغوری، جهان از دو اصل متضاد «محدود» (Limit) و «نامحدود» (Unlimited) تشکیل شده است. «هماهنگی» (Harmonia) نیرویی است که این تضاد را به هم پیوند می‌دهد و کاسموس (نظم) را می‌سازد. این مفهوم ریاضی-متافیزیکی است.

- رد گزینه‌ها: گزینه ۱ مربوط به امپدوکلس است. گزینه ۳ مربوط به هراکلیتوس است. گزینه ۴ مربوط به دموکریتوس است.

۲. کدام گزاره درباره نظریه «نفس» فیثاغوریان، تمایز اصلی آن را با مکتب ایونیا (طبیعت‌گرایان) نشان می‌دهد؟

- (۱) نفس همان هوا (Pneuma) است که با تنفس جهان وارد بدن می‌شود.
- (۲) نفس صورت بدن است و بدون بدن نمی‌تواند وجود مستقل داشته باشد.
- (۳) نفس جوهری مجرد و جاودانه است که در بدن زندانی شده و می‌تواند بدن‌های گوناگون را بپذیرد.
- (۴) نفس حاصل ترکیب موزون عناصر چهارگانه در بدن است (نظریه مزاج).

پاسخ تشریحی:

- گزینه ۳ صحیح است. ایونایی‌ها (مثل آناکسیمنس) نفس را مادی (هوا) می‌دانستند. اما فیثاغوریان (تحت تأثیر اورفنیسم) به دوگانه‌انگاری نفس و بدن و تناسخ باور داشتند. نفس برای آنها «هماهنگی» یا جوهری الهی بود که در بدن (Soma) که مثل قبر (Sema) است، گرفتار شده.
- رد گزینه‌ها: گزینه ۱ نظر آناکسیمنس است. گزینه ۲ نظر ارسطو است. گزینه ۴ (نفس به عنوان هارمونی بدن) دیدگاهی است که سیمپاس در رساله فایدون افلاطون (به نقل از فیثاغوریان) مطرح می‌کند اما توسط سقراط رد می‌شود؛ با این حال، هسته اصلی باور دینی فیثاغوریان، همان تناسخ و استقلال نفس است.

هراکلیتوس (لوگوس، سیروت و تغییر)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

هراکلیتوس (Heraclitus) از افسوس، فیلسوفی است که در تاریخ فلسفه با دو لقب «تاریک» (Obscure) و «فیلسوف تغییر» شناخته می‌شود. اندیشه او حول محور یک دیالکتیک دائمی میان ثبات و تغییر می‌چرخد.

- **لوگوس (Logos):** کلیدی‌ترین مفهوم فلسفه اوست. لوگوس تنها به معنای «کلمه» یا «گفتار» نیست؛ بلکه «قانون عقلانی حاکم بر جهان» است. اگرچه همه چیز در تغییر است، اما این تغییر تصادفی نیست؛ بلکه طبق یک «اندازه» (Metron) و قانون ثابت (لوگوس) رخ می‌دهد.
- **آتش (Fire):** هراکلیتوس «آتش» را به عنوان آرکخه (اصل) معرفی می‌کند. اما برخلاف آب طالس، آتش یک ماده ایستا نیست؛ بلکه نماد «فرآیند» و انرژی است. جهان «آتشی همیشه زنده» است که با پیمانه روشن و با پیمانه خاموش می‌شود.
- **سیروت (Becoming):** هستی در نظر او «بودن» (Being) نیست، بلکه «شدن» است. جمله مشهور «نمی‌توان در یک رودخانه دو بار گام نهاد» (Panta Rhei) نماد این سیلان دائمی است.



- وحدت اضداد (Unity of Opposites): تضاد، موتور محرک جهان است. «جنگ» (Polemos) پدر همه چیز است. بدون تضاد، هماهنگی وجود نخواهد داشت (مانند کشش متضاد سیم‌های کمان که باعث پرتاب تیر می‌شود).

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

بررسی تحلیلی آزمون‌های ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد که طراحان سوالات دکتری روی نقاط تقاطع هراکلیتوس با فیلسوفان دیگر تمرکز دارند:

۱. تفسیرهای مدرن (هایدگر): سوالات بسیار سطح بالایی وجود دارد که به قرائت‌های مدرن (به‌ویژه مارتین هایدگر) از هراکلیتوس و مقایسه او با پارمنیدس می‌پردازند. طراحان می‌خواهند بدانند آیا داوطلب می‌داند که هایدگر، هراکلیتوس و پارمنیدس را در یک جبهه (متفکران اصیل هستی) می‌بیند یا خیر^۱.
۲. تقابل با الثائیان: تقابل «حرکت‌گرایی» هراکلیتوس با «ثبات‌گرایی» پارمنیدس و استدلال‌های زنون علیه کثرت و حرکت، از مباحث محبوب است^۲.
۳. جایگاه در تاریخ فلسفه: ارسطو او را در زمره «طبیعیان» (به خاطر آتش) می‌داند، اما افلاطون و فلاسفه بعدی بر جنبه‌های متافیزیکی تغییر و ثبات او تمرکز دارند.

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- شاه‌کلید ۱ (آتش و لوگوس): آتش در فلسفه هراکلیتوس، هم «ماده‌المواد» است (از دیدگاه ارسطویی) و هم «نماد قانون تغییر». آتش دائماً تغییر می‌کند اما هویتش به عنوان آتش باقی می‌ماند (ثبات در عین تغییر).
- شاه‌کلید ۲ (راه بالا و پایین): «راه بالا و راه پایین یکی است». این جمله بیانگر چرخه تبدیل عناصر است: آتش -> هوا -> آب -> خاک (راه پایین) و برعکس (راه بالا). این یعنی تغییرات، دوری و قانون‌مند هستند.
- شاه‌کلید ۳ (نقد خواب‌گردی): هراکلیتوس مردم عادی را تحقیر می‌کرد و می‌گفت آنها در «خواب» هستند و در جهان‌های خصوصی خود زندگی می‌کنند، در حالی که «لوگوس» (عقل) مشترک و همگانی است.
- نکته طلایی: برخلاف تصور رایج، هراکلیتوس منکر هرگونه ثبات نیست؛ او معتقد به «ثباتِ قانونِ تغییر» است. رودخانه عوض می‌شود، اما «رودخانه بودن» آن (قانون جریان) ثابت است.

بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- دام شماره ۱: تصور اینکه هراکلیتوس و پارمنیدس هیچ وجه اشتراکی ندارند.
 - تصحیح: اگرچه یکی بر «تغییر» و دیگری بر «ثبات» تاکید دارد، اما از نظر هایدگر (که در کنکور دکتری بسیار مهم است)، هر دو به یک حقیقت واحد از هستی (Physis) اشاره دارند و مکمل یکدیگرند، نه متضاد مطلق.
- دام شماره ۲: تفسیر «جنگ» (Strife) به عنوان یک امر منفی.



- تصحیح: هراکلیتوس می گوید «جنگ پدر همه چیز است» و «عدالت، نزاع است». از نظر او، اگر تضاد از بین برود، جهان نابود می شود. پس جنگ و تضاد، شرط وجود و هماهنگی است.
- دام شماره ۳: یکسان دانستن «لوگوس» هراکلیتوس با «نوس» آناکساگوراس.
- تصحیح: «نوس» (در آناکساگوراس) یک نیروی محرک بیرونی و مجزا از ماده است، اما «لوگوس» (در هراکلیتوس) قانون درونی و ذاتی خود ماده (آتش) است.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه سوالات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۳۹۴ - تحلیل عمیق):

هایدگر در خصوص نسبت میان آناکسیمندروس و هراکلیتوس و پارمنیدس معتقد به کدام عقیده است؟

- (۱) هر سه فیلسوف در اصل رویکرد یکسانی به هستی دارند.
 - (۲) «لوگوس» هراکلیتوس در تقابل و تغایر با «هست» پارمنیدس قرار دارد.
 - (۳) «ضرورت» آناکسیمندروس او را در «تقابل» با دو فیلسوف دیگر قرار می دهد.
 - (۴) از میان این سه فیلسوف فقط پارمنیدس است که به «هستی» توجه می کند.
- پاسخ تشریحی: تحلیل:** در نگاه سنتی تاریخ فلسفه، پارمنیدس (ثبات) و هراکلیتوس (تغییر) مقابل هم هستند. اما مارتین هایدگر در تفسیر خود از پیشاسقراطیان، معتقد است که تمام این متفکران اولیه (آناکسیمندر، هراکلیتوس، پارمنیدس) تجربه ای اصیل و مستقیم از «هستی» (Being) داشتند که هنوز توسط متافیزیک بعدی (افلاطون و ارسطو) تحریف نشده بود. هایدگر می گوید اختلاف ظاهری آنها (یکی می گوید تغییر، یکی ثبات) ناشی از نگاه متفاوت به یک حقیقت واحد (Physis) است.
- نتیجه: هایدگر آنها را در یک جبهه واحد (متفکران آغازین) می بیند.
 - پاسخ صحیح: گزینه ۱.

سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۳۹۳ - منطق و متافیزیک):

کدام عبارت، در خصوص استدلال های زنون الیایی صحیح نیست؟

- (۱) رد کثرت گرایی فیثاغوری
 - (۲) رد حرکت گرایی هراکلیتی
 - (۳) اثبات سراسر وحدت گرایی پارمنیدی
 - (۴) اثبات غیرمستقیم ثبات گرایی پارمنیدی
- پاسخ تشریحی:** زنون شاگرد پارمنیدس بود و هدفش دفاع از نظریه استادش (وحدت و سکون) بود.
- روش زنون «برهان خلف» (Reductio ad absurdum) بود. او مستقیماً وحدت را اثبات نمی کرد (گزینه ۳)، بلکه نشان می داد که فرض مقابل (کثرت و حرکت) منجر به تناقض می شود (گزینه ۴ صحیح است که روش او غیرمستقیم بود).
 - او کثرت گرایی فیثاغوری (گزینه ۱) و حرکت گرایی (که منسوب به هراکلیتوس است) را رد می کرد (گزینه ۲). نکته: سوال خواسته "کدام صحیح نیست". زنون اثبات «سراسر است» (مستقیم) نمی کرد، بلکه از طریق رد فرض مخالف (غیرمستقیم) عمل می کرد.



- پاسخ صحیح: گزینه ۳. (توجه: در متن پاسخنامه مرجع، به گزینه ۳ اشاره شده است که زنون اثبات سرراست نمی‌کرد).

بخش ۶: خلاصه کپسولی

مفهوم	توضیح کلیدی	نکته کنکوری
آرکخه	آتش (Fire)	آتش نماد «میزان» و «قانونمندیِ تغییر» است، نه فقط یک ماده.
لوگوس	قانون کلی حاکم	عقلی که بر تغییرات نظارت دارد؛ شنیدن ندای لوگوس = حکمت.
تضاد	جنگ (Polemos)	عدالت یعنی نزاع. هماهنگی جهان حاصل تنش بین اضداد است (مثل کمان).
تغییر	پانتا رئوس (Panta Rhei)	همه چیز در جریان است. ثبات یک توهم حسی است.
نفس	آتشین بودن	نفس خشک، خردمندترین و بهترین است (رطوبت = مرگ نفس/مستی).

بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. در کدام مکتب اصولاً محلی برای بحث از علیت باقی نمی‌ماند؟ (دکتری ۱۳۹۴)

(۱) الئایی

(۲) ملطی

(۳) هراکلیتی

(۴) فیثاغوری

پاسخ: گزینه ۱. در مکتب الئایی (پارمنیدس)، حرکت و کثرت انکار می‌شود. وقتی تغییری نباشد، «علت و معلول» (که تبیین‌کننده تغییر هستند) بی‌معنا می‌شوند. (این سوال به عنوان نقطه مقابل هراکلیتوس اهمیت دارد).

۲. کدام عبارت با نظریه اتمی سازگار نیست؟ (دکتری ۱۳۹۴)

(۱) حوادث روانی را می‌توان نتیجه تصادف‌های اتم‌های نفسانی دانست.

(۲) همه اعمال فیزیکی را می‌توان بر حسب تجمع تصادفی اتم‌ها بیان نمود.

(۳) همه امور تمامی جهان را می‌توان تنها بر حسب مفاهیم ماده و حرکت تبیین کرد.

(۴) حوادث به وسیله غایت یا غرضی که به سوی آن متوجه و رهسپارند، تبیین می‌شود.

پاسخ: گزینه ۴. اتمیسم (و تا حدی هراکلیتوس در تفسیر مادی) تبیین‌های غایت‌شناسانه (Teleological) را رد می‌کنند. (هراکلیتوس به قانون لوگوس معتقد است، اما نه لزوماً به یک غایت‌مندی طراح‌گونه مثل ارسطو).



بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

۱. مفهوم «عدالت» در فلسفه هراکلیتوس، اساساً بر چه مبنایی استوار است و چه تفاوتی با مفهوم رایج آن در یونان (مثل آناکسیمندر) دارد؟

۱) عدالت به معنای عدم تجاوز عناصر به قلمرو یکدیگر است (آناکسیمندر)، اما هراکلیتوس آن را حاصل نزاع و کشمکش اضداد می‌داند.

۲) عدالت یک قرارداد اجتماعی است که لوگوس آن را تعیین می‌کند و با قوانین طبیعی متفاوت است.

۳) عدالت همان بازگشت همه چیز به آتش اولیه در پایان هر دوره کیهانی (سال کبیر) است.

۴) عدالت به معنای برابری دموکراتیک در توزیع آتش (خرد) میان همه انسان‌هاست.

پاسخ تشریحی: گزینه ۱ صحیح است. آناکسیمندر معتقد بود وقتی یک عنصر (مثلاً گرما) زیاده‌روی کند، بی‌عدالتی رخ داده و باید مجازات شود (تعادل ایستا). اما هراکلیتوس می‌گوید «باید دانست که جنگ عام است و عدالت، نزاع است». برای او، عدالت حاصل «تنش و کشمکش دائمی» اضداد است، نه آرامش و صلح. عدالت در دل جنگ است.

• رد گزینه‌ها: گزینه ۲ (قرارداد) مربوط به سوفسطائیان است. گزینه ۳ (احتراق جهانی) بخشی از

کیهان‌شناسی رواقیون (متأثر از هراکلیتوس) است، نه تعریف عدالت او. گزینه ۴ تفسیر مدرن و غلط است.

۲. رابطه «خواب» و «بیداری» در معرفت‌شناسی هراکلیتوس، با کدام مفهوم کلیدی او پیوند مستقیم دارد؟

۱) تناسخ؛ خواب همان مرگ موقت است که نفس را آماده جدایی می‌کند.

۲) لوگوس؛ بیداران کسانی‌اند که به لوگوس مشترک (Common) متصل‌اند، اما خوابیدگان در جهان شخصی خود محبوس‌اند.

۳) صبرورت؛ در خواب تغییرات جهان متوقف می‌شود و انسان به ثبات می‌رسد.

۴) آتش؛ خواب حاصل مرطوب شدن نفس و دوری از ماهیت آتشین آن است.

پاسخ تشریحی: گزینه ۲ صحیح است. هراکلیتوس معرفت را خروج از «جهان خصوصی» (Idios) و ورود به

«جهان مشترک» (Koinos) می‌داند که توسط لوگوس اداره می‌شود. او می‌گوید: «بیداران یک جهان مشترک دارند، اما خوابیدگان هر یک به دنیای خویش بازمی‌گردند».

• تحلیل گزینه ۴: اگرچه گزینه ۴ هم صحیح به نظر می‌رسد (رطوبت=خواب/مرگ)، اما سوال درباره پیوند با

«معرفت‌شناسی» است و مفهوم «لوگوس» (عقلانیت مشترک) هسته معرفت‌شناسی اوست.

مکتب الائی (پارمنیدس و زنون)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی (هستی‌شناسی منطقی)

مکتب الائی (Eleatic School) نقطه عطفی در تاریخ تفکر است؛ جایی که فلسفه از «مشاهده طبیعت» (مانند ایونیایی‌ها) به «تحلیل منطقی مفهوم وجود» تغییر مسیر می‌دهد.

• پارمنیدس (Parmenides): بنیان‌گذار هستی‌شناسی (Ontology). او در شعر خود دو راه را از هم

جدا می‌کند:

۱. راه حقیقت (Aletheia): راهی که عقل طی می‌کند و به ما می‌گوید: «هستی هست و

نیستی نیست». نتیجه منطقی این گزاره، انکار حرکت، تغییر، کثرت و زمان است.

۲. راه پندار (Doxa): راه حواس که جهان را پر از تغییر و کثرت نشان می‌دهد و فریبنده است.



- **زنون (Zeno):** شاگرد و مدافع پارمنیدس. او برای دفاع از نظریه عجیب استادش (وحدت وجود و نفی حرکت)، روش «برهان خلف» (*Reductio ad absurdum*) یا «دیالکتیک» را ابداع کرد. او با طرح پارادوکس‌های مشهور (مانند آشیل و لاک‌پشت)، نشان داد که پذیرش حرکت و کثرت منجر به تناقضات منطقی می‌شود.

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

بررسی دقیق سوالات دکتری نشان می‌دهد که طراحان در این مبحث روی سه محور کلیدی تمرکز دارند:

۱. **مفهوم «هستی» در پارمنیدس:** به ویژه تفسیرهای هایدگری از پارمنیدس و مقایسه آن با هراکلیتوس (اینکه آیا این دو متضادند یا مکمل؟).
۲. **هدف استدلال‌های زنون:** طراحان مکرراً می‌پرسند که زنون دقیقاً به دنبال چه بود؟ (اثبات مستقیم وحدت یا رد غیرمستقیم کثرت؟).
۳. **تفسیرهای مدرن (راسل):** ارتباط نظریه «تمیسم منطقی» راسل با نظریه «طبقات» با پارادوکس‌های زنون نیز از نقاط مورد علاقه طراحان در سال‌های اخیر است.

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- **شاه‌کلید ۱ (طبیعت برهان زنون):** زنون هیچ‌گاه مستقیماً نگفت «جهان ساکن است»؛ بلکه گفت: «اگر بگوئید جهان متحرک است، دچار تناقض می‌شوید». پس روش او **سلبی و غیرمستقیم** است.
- **شاه‌کلید ۲ (شعر پارمنیدس):** پارمنیدس هستی را مثل یک «کره» (*Sphere*) توصیف می‌کند: محدود، کامل، همگن و بدون خلاء. (دقت کنید: برخلاف تصور رایج، «نامحدود» بودن برای یونانیان نقص بود، پس هستی پارمنیدس «محدود» به معنای «متعین و کامل» است).
- **نکته طلایی (ارسطو و زنون):** ارسطو زنون را مخترع «دیالکتیک» می‌نامد، اما دیالکتیک زنون با دیالکتیک افلاطون (صعود به مثل) یا هگل (سنتز اضداد) متفاوت است؛ دیالکتیک زنون صرفاً ابزاری برای ابطال خصم است.

بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- **دام شماره ۱:** تصور اینکه پارمنیدس «خدا» را اثبات می‌کند.
 - تصحیح: «واحد» (*The One*) در نزد پارمنیدس یک مفهوم منطقی-متافیزیکی است، نه لزوماً خدای دینی.
- **دام شماره ۲:** خلط بین «ملیوس» و «پارمنیدس».
 - تصحیح: ملیوس (دیگر پیرو مکتب الیایی) هستی را «نامحدود» می‌دانست، در حالی که پارمنیدس آن را «محدود» (کران‌مند و کامل) می‌دانست. طراحان گاهی از این تفاوت ظریف سوال می‌دهند.
- **دام شماره ۳:** اشتباه گرفتن هدف پارادوکس‌های زنون.
 - تصحیح: پارادوکس‌های زنون (مثل تیر پرتاب شده) برای اثبات خطای حواس نیستند، بلکه برای اثبات خطای فرض «تقسیم‌پذیری نامتناهی مکان و زمان» هستند.



بخش ۵: حل تحلیلی نمونه سوالات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۳۹۳ - تحلیل تطبیقی):

اندیشه‌های ژان پل سارتر در کدام مورد به تفکر پارمنیدس نزدیک می‌شود؟

- (۱) هستی برای خود
- (۲) هستی در خود
- (۳) هستی برای دیگری
- (۴) هستی نیست کننده

پاسخ تشریحی:

- تحلیل سارتر: سارتر «هستی در خود» (En-soi) را وجودی پُر، صلب، بدون شکاف، بدون تغییر و کاملاً منطبق بر خود توصیف می‌کند. این هستی فاقد آگاهی و زمان است.
- تحلیل پارمنیدس: پارمنیدس نیز هستی را یکپارچه، بدون خلاء (عدم)، بدون تغییر و کامل می‌داند.
- تطبیق: ویژگی‌های صلبیت، یکپارچگی و عدم تغییر در «هستی در خود» سارتر، بازتاب‌دهنده ویژگی‌های «واحد» پارمنیدس است.
- پاسخ صحیح: گزینه ۲.

سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۳۹۴ - تحلیل فلسفه تحلیلی و باستان):

نظریه «طبقات» راسل را با حل کدام مسأله مرتبط تر می‌دانید؟

- (۱) دیلمای پارمنیدس در باب ضرورت
- (۲) شبهه آشیل و لاک پشت زنون
- (۳) معناداری قضایای متافیزیکی
- (۴) پارادوکس دروغگو

پاسخ تشریحی: تحلیل: اگرچه راسل درباره زنون هم نوشته است، اما «نظریه طبقات» (Theory of Types) مشخصاً برای حل پارادوکس‌های خود-ارجاعی (Self-referential) مثل «پارادوکس دروغگو» (کسی که می‌گوید من دروغ می‌گویم) یا پارادوکس مجموعه راسل طراحی شده است.

- نکته انحرافی: راسل از ریاضیات مدرن برای حل پارادوکس‌های زنون (گزینه ۲) استفاده کرد (مفهوم حد و پیوستگی)، اما ابزار «نظریه طبقات» مختص پارادوکس‌های منطقی-زبانی است.
- پاسخ صحیح: گزینه ۴.

بخش ۶: خلاصه کپسولی

پارمنیدس:

- شعار: هستی هست و نیستی نیست.
- ویژگی‌های هستی: ازلی، ابدی، واحد، پیوسته، محدود (مثل کره)، بی حرکت.
- تفکر و هستی یکی هستند (Pan-logism).

زنون:

- مخترع دیالکتیک (به معنای جدل).
- هدف: دفاع از پارمنیدس با نشان دادن تناقضات حرکت و کثرت.
- پارادوکس‌های مشهور: آشیل و لاک پشت (تقسیم نامتناهی)، تیر پرتاب شده (سکون در لحظه)، ورزشگاه.



بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. در نظر ارسطو کدام فیلسوف از مصادیق اصطلاح «طبیعیان» یا «طبیعت‌شناسان» نیست؟ (دکتری ۱۳۹۲)

- (۱) آناکسیمندر (۲) آناکساگوراس
(۳) پارمنیدس (۴) امپدوکلس

پاسخنامه تشریحی: تحلیل: ارسطو «طبیعت» را «مبدأ حرکت و سکون» تعریف می‌کند. بنابراین، فیلسوفان طبیعی (Physiologi) کسانی هستند که تغییر و حرکت را قبول دارند و سعی در تبیین آن دارند (مثل آناکسیمندر، آناکساگوراس و امپدوکلس).

• تحلیل پارمنیدس: پارمنیدس منکر مطلق حرکت و تغییر است. او معتقد است حرکت توهم است. بنابراین، از نظر ارسطو، او موضوع علم طبیعت (حرکت) را نفی کرده و نمی‌تواند جزو طبیعیان باشد. او یک متافیزیسین است.

• پاسخ صحیح: گزینه ۳.

۲. کدام عبارت، در خصوص استدلال‌های زنون الیایی صحیح نیست؟ (دکتری ۱۳۹۳)

- (۱) رد کثرت‌گرایی فیثاغوری (۲) رد حرکت‌گرایی هراکلیتی
(۳) اثبات سراسر وحدت‌گرایی پارمنیدی (۴) اثبات غیرمستقیم ثبات‌گرایی پارمنیدی

پاسخنامه تشریحی: تحلیل: زنون مدافع پارمنیدس بود. او با کثرت‌گرایان (فیثاغوریان - گزینه ۱) و حرکت‌گرایان (هراکلیتی‌ها - گزینه ۲) مخالفت می‌کرد.

• روش زنون: روش او «برهان خلف» (Reductio ad absurdum) بود. او فرض مخالف (وجود حرکت) را می‌گرفت و به تناقض می‌رساند. این یعنی اثبات «غیرمستقیم» نظریه پارمنیدس (گزینه ۴ صحیح است).

• نکته: او هیچ‌گاه مستقیماً و «سراسر» استدلال نکرد که «جهان واحد است»، بلکه فقط نشان داد که «جهان کثیر نیست». پاسخ صحیح: گزینه ۳.

۳. در کدام مکتب اصولاً محلی برای بحث از علیت باقی نمی‌ماند؟ (دکتری ۱۳۹۴)

- (۱) الئایی (۲) ملطی
(۳) هراکلیتی (۴) فیثاغوری

پاسخنامه تشریحی:

- تحلیل: «علیت» رابطه‌ای است برای تبیین «پدید آمدن» چیزی از چیز دیگر (تغییر و حدوث).
- مکتب الئایی (پارمنیدس): وقتی پارمنیدس می‌گوید «هستی هست و نیستی نیست» و «تغییر و حرکت غیرممکن است»، عملاً جایی برای علیت باقی نمی‌ماند. در جهانی که هیچ چیز به وجود نمی‌آید و هیچ چیز از بین نمی‌رود (ثبات محض)، پرسش از «علت» بی‌معناست.
- سایر گزینه‌ها: سایر مکاتب تغییر را قبول دارند و به دنبال تبیین علی آن هستند.
- پاسخ صحیح: گزینه ۱.



۴. آموزه کدام فیلسوف در خصوص «واحد و حد» با سه شخصیت دیگر همسو نیست؟ (دکتری ۱۳۹۳)

(۱) افلاطون

(۲) پارمنیدس

(۳) فیثاغورث

(۴) آناکسیمندر

پاسخنامه تشریحی: تحلیل: در تفکر یونانی (فیثاغوری، پارمنیدی و افلاطونی)، «حد» (Limit) و «تعیین» نشانه کمال و وجود است. پارمنیدس هستی را «محدود» (مثل کره) می‌داند. فیثاغوریان «نامحدود» را شر می‌دانستند. افلاطون نیز به «واحد» و «حد» گرایش داشت.

- آناکسیمندر: تنها کسی است که «آپیرون» (نامحدود/بی‌کران) را اصل برتر و الهی می‌دانست و تعیین (حد) را نوعی «بی‌عدالتی» و جدایی از اصل می‌پنداشت.
- پاسخ صحیح: گزینه ۴.

۵. نسبت لیبنیتس به اسپینوزا را در خصوص کثرت و وحدت با نسبت کدام دو فیلسوف به یکدیگر متناظر می‌دانید؟ (دکتری ۱۴۰۰)

(۱) ارسطو به افلاطون

(۲) افلوپین به افلاطون

(۳) زنون به پارمنیدس

(۴) دموکریتوس به پارمنیدس

پاسخنامه تشریحی: تحلیل لیبنیتس و اسپینوزا: اسپینوزا «وحدت‌گرا» (مونیسیت) بود (یک جوهر). لیبنیتس «کثرت‌گرا» (پلورالیست) بود (بی‌نهایت موند). لیبنیتس در پاسخ به وحدت‌گرایی صلب اسپینوزا، کثرت را احیا کرد.

- تحلیل گزینه‌ها:
 - پارمنیدس (مانند اسپینوزا) وحدت‌گرای صلب بود (انکار کثرت).
 - دموکریتوس (مانند لیبنیتس) کثرت‌گرا بود (اتم‌ها) و سعی کرد واقعیت کثرت را در برابر وحدت‌گرایی الهایی نجات دهد.
- پاسخ صحیح: گزینه ۴.

بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

۱. پارمنیدس در بخش «راه حقیقت» (Aletheia) از شعر خود، کدام ویژگی را برای «هستی» (Being) برمی‌شمارد که مستقیماً در تقابل با مفهوم «آپیرون» آناکسیمندر قرار می‌گیرد؟

(۱) نامولود و تباهی‌ناپذیر بودن

(۲) یکپارچگی و پیوستگی

(۳) کران‌مندی و تمامیت (مانند جرم یک کره خوش‌تراش)

(۴) بی‌زمانی و ابدیت (به معنای حال دائم)

پاسخنامه تشریحی:

- تحلیل: آناکسیمندر اصل نخستین را «آپیرون» (نامحدود/بی‌کران) می‌داند. پارمنیدس در بند ۸ شعر خود صراحتاً می‌گوید هستی نمی‌تواند ناتمام یا نامحدود باشد، زیرا نقص است. او هستی را «محدود» و کامل (مانند یک کره) می‌داند. این ویژگی (کران‌مندی) نقطه دقیق تقابل با آناکسیمندر است. سایر ویژگی‌ها (گزینه‌های ۱، ۲ و ۴) ممکن است بین آنها مشترک باشد یا نقطه تقابل اصلی نباشد.



۲. در پارادوکس «استادیوم» (یا صف‌های متحرک) زنون الثایی، هدف اصلی نشان دادن کدام نتیجه منطقی است؟

(۱) عدم امکان تقسیم نامتناهی زمان.

(۲) نسبی بودن مفهوم حرکت و سرعت که منجر به تناقض (نصف زمان برابر با دو برابر زمان) می‌شود.

(۳) اینکه حرکت در یک مکان پر (ملاء) غیرممکن است.

(۴) اینکه حواس ما در درک همزمانی رویدادها دچار خطا می‌شوند.

پاسخنامه تشریحی: تحلیل: در پارادوکس استادیوم، زنون سه صف را در نظر می‌گیرد (یکی ساکن، دو تا متحرک در جهت عکس). او نشان می‌دهد که اگر زمان از «آن»های تقسیم‌ناپذیر تشکیل شده باشد، یک صف از کنار نیمی از صف دیگر در زمانی می‌گذرد که نیمی از زمان عبور از صف ساکن است. او نتیجه می‌گیرد که «نصف زمان برابر با دو برابر زمان است». هدف او حمله به اتمیسم زمانی و نشان دادن تناقضات فرض واحدهای گسسته زمان/مکان است.

• پاسخ صحیح: گزینه ۲

۳. کدام گزاره درباره رابطه «اندیشه» و «هستی» در فلسفه پارمنیدس، با تفسیرهای کلاسیک و مدرن (مانند هایدگر) سازگارتر است؟

(۱) اندیشه ابزاری سوژکتیو است که سعی می‌کند هستی ایزکتیو را بازنمایی کند (رنالیسم).

(۲) هستی همان اندیشه است؛ به این معنا که تنها «ایده‌ها» واقعیت دارند (ایده‌آلیسم).

(۳) اندیشیدن و بودن یک‌همان‌اند؛ تعلق دوسویه و این‌همانی ادراک و وجود (این‌همانی).

(۴) هستی فراتر از اندیشه است و عقل تنها می‌تواند «راه پندار» را طی کند.

پاسخنامه تشریحی: تحلیل: جمله معروف پارمنیدس (To gar auto noein estin te kai einai) معمولاً به «اندیشیدن و بودن یکی است» ترجمه می‌شود. این به معنای ایده‌آلیسم بارکلی (بودن=مدرک شدن) نیست، بلکه به این معناست که واقعیت معقول و واقعیت وجودی منطبق‌اند. هایدگر این را به معنای تعلق متقابل انسان (به عنوان اندیشنده) و هستی تفسیر می‌کند. گزینه ۴ غلط است چون عقل راه حقیقت را طی می‌کند نه پندار.

کثرت‌گرایان (امپدوکلس و آناکساگوراس)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

پس از آنکه پارمنیدس با منطق کوبنده خود اعلام کرد «نیستی نیست» و «حرکت و کثرت محال است»، فیلسوفان بعدی (کثرت‌گرایان) با یک چالش بزرگ مواجه شدند: چگونه می‌توان جهان محسوس (که پر از تغییر است) را نجات داد، بدون آنکه اصول منطقی پارمنیدس (از هیچ، هیچ برنمی‌خیزد) را زیر پا گذاشت؟ پاسخ آنها «کثرت‌گرایی» (Pluralism) بود: پذیرفتن اینکه «آرکخه» (اصل) یکی نیست، بلکه متعدد است. این اصول اولیه «ثابت و پارمنیدسی» هستند، اما «ترکیب و تجزیه» آنها موجب تغییر می‌شود.

۱. امپدوکلس (Empedocles):

○ ریشه‌ها (Rhizomata): چهار عنصر جاودانه (خاک، آب، هوا، آتش). اینها به وجود نمی‌آیند

و از بین نمی‌روند (رعایت اصل پارمنیدس).

○ نیروها: دو نیروی محرک بیرونی: «مهر» (Love/Philia) که ترکیب می‌کند و «کین»

(Strife/Neikos) که جدا می‌کند.



- چرخه کیهانی: جهان در یک سیکل دائمی بین «کره واحد» (غلبه کامل مهر) و «آشوب کامل» (غلبه کامل کین) در نوسان است.
- ۲. آناکساگوراس (Anaxagoras):
 - بذرها (Spermata): تعداد اصول نامتناهی است. هر چیزی در جهان (مثل استخوان، طلا، خون) از بذره‌های هم‌جنس خود تشکیل شده است. ارسطو این‌ها را «هومئومر» (Homoeomeria) یا «همگن» نامید.
 - اصل: «همه چیز در همه چیز است»: در هر ذره‌ای از ماده، بهره‌ای از تمام مواد دیگر وجود دارد (جز نوس).
 - نوس (Nous/Mind): نیروی محرک «عقل» که لطیف‌ترین و خالص‌ترین چیزهاست. نوس به توده اولیه حرکت داد و باعث جدایش (Separation) شد.

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. نقد افلاطون و ارسطو بر «نوس»: پرتکرارترین مبحث درباره آناکساگوراس، نقد سقراط (در رساله فایدون) و ارسطو (در متافیزیک) به اوست. اینکه چرا او «نوس» (عقل) را مطرح کرد اما از آن استفاده غایت‌شناسانه نکرد و فقط به عنوان یک نیروی مکانیکی (هل دهنده) بهره برد.
۲. تمایز محرک‌ها: تفاوت نیروی محرک در امپدوکلس (عشق و نفرت = نیروهای کور طبیعی/اسطوره‌ای) با آناکساگوراس (نوس = نیروی آگاه و هدفمند، حداقل در تعریف).
۳. مفهوم «هومئومری»: فهم دقیق اینکه چرا آناکساگوراس معتقد بود «همه چیز در همه چیز است» (مسئله تغذیه: چطور نان به گوشت تبدیل می‌شود؟ چون در نان، ذرات گوشت وجود دارد).

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- شاه‌کلید ۱ (نجات پدیده‌ها): فرمول کثرت‌گرایان این است: «بودن» (Being) ثابت است، اما «شدن» (Becoming) همان «آمیزش و جدایش» است. مرگ و تولد وجود ندارد، فقط ترکیب و تجزیه عناصر ابدی است.
- شاه‌کلید ۲ (نوس آناکساگوراس): نوس دو ویژگی کلیدی دارد: ۱. آگاهی (بر همه‌چیز دانایی دارد) ۲. خودمختاری (با هیچ چیز مخلوط نیست). این اولین بار است که در فلسفه غرب، یک اصل «غیرمادی» (یا شبه‌مادی بسیار لطیف) و «آگاه» معرفی می‌شود.
- شاه‌کلید ۳ (تصادف vs غایت): در فلسفه امپدوکلس، پیدایش موجودات زنده حاصل «تصادف» است (اعضای بدن جدا جدا پدید آمدند و تصادفی به هم چسبیدند؛ آن‌هایی که کارآمد بودند ماندند - نوعی داروینیسیم بدوی). اما در آناکساگوراس، شروع حرکت توسط «نوس» است که بوی «غایت‌مندی» می‌دهد (هرچند ناقص).

بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- دام شماره ۱: تصور اینکه «عناصر چهارگانه» ابداع ارسطو است.



○ تصحیح: این نظریه متعلق به امپدوکلس است. ارسطو بعدها کیفیت‌های (گرم، سرد، خشک، تر) را به آنها افزود.

• دام شماره ۲: یکی دانستن «هومئومری» با «اتم».

○ تصحیح: اتم‌های دموکریتوس «کیفیت» ندارند (فقط شکل و اندازه دارند) و تقسیم‌ناپذیرند. اما بذرهاى آناکساگوراس (هومئومری) «کیفیت» دارند (رنگ، مزه، طبع) و تا بی‌نهایت «تقسیم‌پذیرند».

• دام شماره ۳: فکر کنیم آناکساگوراس یک فیلسوف الهیاتی کامل است.

○ تصحیح: سقراط در رساله فایدون با اشتیاق به سراغ کتاب او رفت تا ببیند چگونه «عقل» جهان را برای «بهترین حالت» سامان داده، اما ناامید شد چون دید آناکساگوراس هم مثل بقیه به «آب و باد و آتر» متوسل شده است.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه‌سوال‌ات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۳۹۹ - تحلیل متن):

کدام عبارت بیانگر نظر آناکساگوراس نیست؟

(۱) نوس، خالق ماده است.

(۲) نوس، در تمام اشیاء زنده حضور دارد.

(۳) تفاوت میان اشیاء زنده به تفاوت ابدان آنها مربوط می‌شود.

(۴) تفاوت میان اشیاء زنده ناشی از تفاوت اساسی میان نفوس آنهاست.

پاسخ تشریحی: تحلیل: آناکساگوراس «نوس» (عقل) را نیروی محرک و نظم‌دهنده می‌داند، نه «خالق ماده». در فلسفه یونان باستان (تا قبل از مسیحیت)، ایده «خلق از عدم» (Creatio ex nihilo) وجود ندارد. ماده اولیه (بذرها) ازلی و ابدی است و نوس فقط آنها را از هم جدا و مرتب کرده است.

• بررسی گزینه‌ها: گزینه ۱ ادعای «خلق ماده» را به او نسبت می‌دهد که غلط است (نوس ناظم است، نه خالق). گزینه‌های دیگر درباره حضور نوس در موجودات زنده با مبانی او سازگارترند (نوس در همه جانداران یکی است، اما بدن‌ها متفاوت‌اند). پاسخ صحیح: گزینه ۱.

سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۴۰۰ - ارجاع به افلاطون):

مطابق سخن سقراط در فایدون، قول آناکساگوراس به «نوس» (عقل) در وهله نخست بر چه چیزی دلالت می‌کند؟

(۱) هر رخدادی باید «علتی» داشته باشد.

(۲) هر آنچه رخ می‌دهد باید برای «غایت و خیری» رخ بدهد.

(۳) هیچ بحثی بدون «تعریف» مفاهیم کلیدی با موفقیت پیش نمی‌رود.

(۴) آسمان و زمین و همه موجودات بایستی از ماده واحدی شکل گرفته باشند.

پاسخ تشریحی: تحلیل: سقراط در فایدون می‌گوید وقتی شنیدم آناکساگوراس گفته «نوس» (عقل) علت جهان است، خوشحال شدم و فکر کردم او توضیح خواهد داد که چرا زمین مسطح یا گرد است و چرا این حالت برایش «بهترین» (The Best / Good) است. یعنی انتظار تبیین «غایت‌شناسانه» (Teleological) داشت.



- نکته کلیدی: توسل به عقل به عنوان علت، یعنی کارها بر اساس «خیر» و «مصلحت» انجام شده است (گزینه ۲). هر چند آناکساگوراس در عمل به این وعده وفا نکرد.
- پاسخ صحیح: گزینه ۲.

بخش ۶: خلاصه کپسولی

فیلسوف	آرکخه (اصل)	محرک (نیرو)	نظریه کلیدی
امپدوکلس	۴ عنصر (خاک، آب، هوا، آتش)	مهر (عشق) و کین (نفرت)	بقای اصلح (تصادفی)، عدم امکان خلقت از عدم.
آناکساگوراس	بذرها (نامتناهی و کیفی)	نوس (عقل)	همه چیز در همه چیز است. نوس خالص و مخلوط نشده است.

بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

- در نظر ارسطو کدام فیلسوف از مصادیق اصطلاح «طبیعیان» نیست؟ (دکتری ۱۳۹۲)
 - آناکسیمندر
 - آناکساگوراس
 - پارمنیدس
 - امپدوکلس

پاسخ: گزینه ۳. (تکرار برای تثبیت: آناکساگوراس و امپدوکلس چون به حرکت و عنصر مادی قائل بودند، از نظر ارسطو طبیعی‌دان هستند).
- کدام مورد را می‌توان مابازای افلاطونی «محرک نامتحرک» ارسطو دانست؟ (دکتری ۱۳۹۹)
 - نفس
 - صانع (دمیورژ)
 - مثال خیر
 - الگوهای عقلی

پاسخ: گزینه ۳. (تحلیل: این سوال اگرچه درباره افلاطون است، اما ریشه در بحث «نوس» آناکساگوراس دارد. ارسطو نوس آناکساگوراس را تکامل داد و به محرک نامتحرک رساند که غایت است. در افلاطون، «مثال خیر» علت غایی و نظم‌دهنده است).

بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

- تفاوت بنیادین «عناصر» در فلسفه امپدوکلس با «بذرها» (Spermata) در فلسفه آناکساگوراس، در کدام ویژگی متافیزیکی نهفته است؟
 - عناصر امپدوکلس تغییرپذیرند، اما بذرهای آناکساگوراس ثابت و ابدی هستند.
 - عناصر امپدوکلس محدود و از نظر کیفی متمایزند، اما بذرهای آناکساگوراس نامتناهی و حاوی همه‌چیزند.
 - بذرهای آناکساگوراس برخلاف عناصر امپدوکلس، فاقد کیفیت‌های حسی (رنگ و مزه) هستند.
 - عناصر امپدوکلس توسط نیروی درونی حرکت می‌کنند، اما بذرها نیازمند محرک بیرونی (نوس) هستند.



پاسخ تشریحی: تحلیل:

- امپدوکلس: ۴ عنصر دارد (محدود) که هر کدام کیفیت خاص خود را دارند (آتش گرم است، آب تر است) و به هم تبدیل نمی‌شوند.
- آناکساگوراس: تعداد بذرها نامتناهی است. مهم‌تر اینکه طبق اصل «همه چیز در همه چیز»، هر ذره‌ای حاوی تمام کیفیت‌هاست (خون، طلا، چوب و...).
- رد گزینه‌ها: گزینه ۱ غلط است (هر دو ابدی‌اند). گزینه ۳ غلط است (بذرها کیفیت دارند). گزینه ۴ غلط است (عناصر امپدوکلس هم با مهر و کین بیرونی حرکت می‌کنند).
- پاسخ صحیح: گزینه ۲

۲. ارسطو در متافیزیک، آناکساگوراس را به دلیل طرح مفهوم «نوس» ستایش می‌کند و او را همچون «مردی هوشیار در میان مستان» می‌نامد، اما بلافاصله چه نقدی بر او وارد می‌کند؟

- (۱) اینکه نوس را ماهیتی جسمانی و مادی (مانند هوا) دانسته است.
- (۲) اینکه نوس را فقط در آغاز کیهان‌شناسی و به عنوان «ماشین‌خدایی» (Deus ex machina) برای ایجاد حرکت به کار برده است.
- (۳) اینکه برای نوس ویژگی‌های اخلاقی و ارزشی قائل نشده است.
- (۴) اینکه نوس را با عناصر دیگر مخلوط کرده و خلوص آن را از بین برده است.

پاسخ تشریحی: تحلیل: نقد مشهور ارسطو (و سقراط) این است که آناکساگوراس «نوس» را آورد تا نظم را توضیح دهد، اما وقتی وارد جزئیات شد، دوباره به باد و اتر و آب متوسل شد و از نوس فقط به عنوان نیروی هل‌دهنده اولیه (مکانیکی) استفاده کرد، نه به عنوان علت غایی که تعیین کند چرا هر چیز در جای خود «بهترین» است.

- پاسخ صحیح: گزینه ۲

اتمیسیم (لوکیپوس و دموکریتوس)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

اتمیسیم (Atomism) پاسخ نهایی فلسفه پیشاسقراطی به چالش پارمنیدس (نفی حرکت و کثرت) است. دموکریتوس (و استادش لوکیپوس) تلاش کردند تا تغییر و حرکت را نجات دهند، بدون آنکه اصول منطقی پارمنیدس را کاملاً نقض کنند.

- اتم (Atomos): به معنای «ناپذیری» یا «تجزیه‌ناپذیر». ذراتی مادی، صلب، یکپارچه و غیرقابل تقسیم که ازلی و ابدی‌اند (رعایت اصل پارمنیدس که هستی از بین نمی‌رود).
- خلاء (The Void): نوآوری بزرگ اتمیست‌ها. آنها برخلاف الثایان که می‌گفتند «نیستی نیست»، ادعا کردند «نیستی» (خلاء) به اندازه هستی (پراتم) وجود دارد. خلاء شرط لازم برای حرکت است.
- مکانیسیم (Mechanism): جهان نه با «عشق و نفرت» (امپدوکلس) اداره می‌شود و نه با «نوس» (آناکساگوراس)، بلکه با «ضرورت» (Ananke) و برخورد مکانیکی اتم‌ها شکل می‌گیرد. هیچ غایتی در کار نیست.

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

بررسی هوشمندانه سوالات ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد که طراحان روی سه محور اصلی تمرکز کرده‌اند:



۱. تقابل با غایت‌شناسی: بیشترین تاکید طراحان بر «ضدیت اتمیسم با تبیین غایت‌شناسانه» است. اتمیست‌ها جهان را ماشین‌وار می‌بینند، نه هدفمند.
۲. تطبیق‌های تاریخی: مقایسه جایگاه «کثرت و وحدت» در فلسفه دموکریتوس با فلاسفه مدرن (مانند لایبنیتس و اسپینوزا) از سوالات سطح بالای سال‌های اخیر بوده است.
۳. معرفت‌شناسی: تمایز میان شناخت «حرام‌زاده/تاریک» (حسی) و شناخت «مشروع/روشن» (عقلی/اتمی) و شباهت آن با ثنویت افلاطونی.

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- شاه‌کلید ۱ (کیفیت وجود ندارد): اتم‌ها فاقد کیفیت‌اند (رنگ، بو، مزه ندارند). تفاوت اشیاء فقط ناشی از تفاوت «شکل» (Shape)، «نظم» (Arrangement) و «وضع» (Position) اتم‌هاست. (مثال ارسطو: A با N در شکل، AN با NA در نظم، و Z با N در وضع تفاوت دارند).
- شاه‌کلید ۲ (کیفیات اولیه و ثانویه): دموکریتوس پیشگام تمایز جان لاک است: «به قرارداد شیرین، به قرارداد تلخ؛ اما در واقعیت فقط اتم‌ها و خلاء».
- شاه‌کلید ۳ (جبر و تصادف): دقت کنید! ارسطو اتمیست‌ها را متهم می‌کند که جهان را به «تصادف» (Chance) واگذار کرده‌اند چون «علت غایی» ندارند. اما از نظر خود دموکریتوس، هیچ چیز تصادفی نیست و همه چیز طبق «ضرورت» و برخورد مکانیکی اتم‌ها رخ می‌دهد.
- نکته طلایی: نفس (Soul) نیز مادی است و از اتم‌های کروی، صاف و آتشین تشکیل شده است.

بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- دام شماره ۱: تصور اینکه اتم‌های دموکریتوس مثل اتم‌های فیزیک مدرن (دارای پروتون/الکترون) هستند.
 - تصحیح: اتم‌های دموکریتوس، توده‌های صلب متافیزیکی و ریاضی هستند که فقط از نظر هندسی متفاوت‌اند و «فضای خالی» درون آنها نیست (برخلاف اتم مدرن که بیشترش خالی است).
- دام شماره ۲: اشتباه گرفتن دموکریتوس با اپیکور در مبحث «حرکت».
 - تصحیح: دموکریتوس به جبر مکانیکی مطلق باور داشت. این اپیکور بود که بعدها برای نجات اختیار، نظریه «انحراف» (Clinamen) یا حرکت تصادفی اتم‌ها را اضافه کرد.
- دام شماره ۳: فکر کنیم دموکریتوس تجربه‌گرا (Empiricist) است.
 - تصحیح: او عقل‌گراست؛ زیرا معتقد است حواس ما را فریب می‌دهند (رنگ و مزه واقعیت ندارند) و حقیقت (اتم‌ها) فقط با عقل دریافت می‌شود.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه‌سوال‌ات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۴۰۰ - تطبیقی و دشوار):

نسبت لایبنیتس به اسپینوزا را در خصوص کثرت و وحدت با نسبت کدام دو فیلسوف به یکدیگر متناظر می‌دانید؟

- | | |
|----------------------|---------------------------|
| (۱) ارسطو به افلاطون | (۲) افلوپتین به افلاطون |
| (۳) زنون به پارمنیدس | (۴) دموکریتوس به پارمنیدس |



پاسخ تشریحی: گام اول (تحلیل صورت سوال): اسپینوزا «وحدت‌گرا» (مونیسیت) است (فقط یک جوهر). لایبنیتس در نقد او، «کثرت‌گرا» (پلورالیست) است (بی‌نهایت موند). پس سوال به دنبال الگوی: «دومی (کثرت‌گرا) در برابر اولی (وحدت‌گرا)».

• گام دوم (تحلیل گزینه‌ها):

- پارمنیدس «وحدت‌گرای» صلب بود (نفی کثرت).
- دموکریتوس در پاسخ به او، «کثرت» را از طریق اتم‌ها (واحد‌های متعدد وجود) احیا کرد، اما ویژگی‌های پارمنیدسی (تغییرناپذیری) را در هر اتم حفظ کرد.
- نتیجه: رابطه دموکریتوس (کثرت اتم‌ها) با پارمنیدس (وحدت وجود)، دقیقاً مشابه رابطه لایبنیتس (کثرت موند‌ها) با اسپینوزا (وحدت جوهر) است. پاسخ صحیح: گزینه ۴.

سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۳۹۴ - مبانی):

کدام عبارت با نظریه اتمی سازگار نیست؟

- (۱) حوادث روانی را می‌توان نتیجه تصادف‌های اتم‌های نفسانی دانست.
 - (۲) همه اعمال فیزیکی را می‌توان بر حسب تجمع تصادفی اتم‌ها بیان نمود.
 - (۳) همه امور تمامی جهان را می‌توان تنها بر حسب مفاهیم ماده و حرکت تبیین کرد.
 - (۴) حوادث به وسیله غایت یا غرضی که به سوی آن متوجه و رهسپارند، تبیین می‌شود.
- پاسخ تشریحی: تحلیل: ذات اتمیسم، تبیین مکانیکی (ماده و حرکت) است. گزینه‌های ۱ و ۲ و ۳ همگی بیانی از ماتریالیسم و مکانیسم هستند (حتی اگر کلمه «تصادف» را به معنای فقدان طرح الهی بگیریم).
- نقطه تضاد: گزینه ۴ از «غایت» (Telos) و «غرض» صحبت می‌کند. اتمیسم دشمن سرسخت غایت‌شناسی است. در جهان اتم‌ها، هیچ طرح و نقشه‌ای وجود ندارد، فقط برخورد کورکورانه ذرات است.
 - پاسخ صحیح: گزینه ۴.

بخش ۶: خلاصه کپسولی

مفهوم	توضیح	معادل یونانی
اصول	فقط «اتم» (پُر) و «خلاء» (تهی) وجود دارد.	Atomos & Kenon
کیفیات	رنگ، بو و مزه «قراردادی» هستند؛ واقعیت فقط کمی است.	Nomos vs Physis
نفس	مادی، میرا، تشکیل شده از اتم‌های کروی و سریع.	Psyche
شناخت	ادراک حسی = تاریک (Bastard)؛ ادراک عقلی = روشن (Legitimate).	



بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. در کدام مورد بین افلاطون و دموکریتوس اتفاق نظر هست؟ (دکتری ۱۴۰۳)

(۱) نظریه تطوّر

(۲) ثنویت محسوس و معقول

(۳) تقسیم غایت‌گرایانه از جهان

(۴) تفسیر ریاضی از جهان

پاسخ: گزینه ۲. (تحلیل: هر دو معتقدند جهان محسوس (ظاهر) با جهان واقعی (معقول) فرق دارد. برای افلاطون واقعیت «مثل» است، برای دموکریتوس «اتم‌ها». هر دو به این دوگانگی شناخت باور دارند. گزینه ۴ هم جذاب است اما افلاطون هندسی است و دموکریتوس فیزیکی/مکانیکی).

بخش ۸: شبیه‌سازی آزمون ۱۴۰۵ (تست‌های تالیفی)

۱. دموکریتوس برای حل پارادوکس «حرکت» که توسط الائیان (پارمنیدس) مطرح شده بود، دقیقاً کدام پیش‌فرض هستی‌شناختی آنان را تغییر داد؟

(۱) تغییرناپذیری هستی؛ او پذیرفت که هستی می‌تواند تغییر کند و از بین برود.

(۲) یگانگی هستی؛ او پذیرفت که «نیستی» (خلاء) هم نوعی از «هستی» دارد تا حرکت ممکن شود.

(۳) انکار خلاء؛ او ثابت کرد که حرکت در ملاء (پُری) هم امکان‌پذیر است (مانند ماهی در آب).

(۴) نامتناهی بودن هستی؛ او جهان را محدود دانست تا حرکت در آن معنادار شود.

پاسخ تشریحی:

• گزینه ۲ صحیح است. پارمنیدس می‌گفت: «حرکت محال است چون حرکت یعنی رفتن به جایی که خالی است، و خالی (نیستی) وجود ندارد». دموکریتوس با جسارت گفت: «حق با شماست که هستی (اتم) تغییر نمی‌کند، اما اشتباه می‌کنید که نیستی وجود ندارد. خلاء (Non-being) وجود دارد.» این شاه‌کلید حل معما بود.

۲. تمایز معرفت‌شناختی دموکریتوس میان شناخت «تاریک» و «روشن»، بیشترین شباهت ساختاری را با کدام نظریه در فلسفه مدرن دارد؟

(۱) تمایز «ایده‌های فطری» و «اکتسابی» دکارت.

(۲) تمایز «کیفیات اولیه» و «کیفیات ثانویه» جان لاک.

(۳) تمایز «تأثرات» و «تصورات» هیوم.

(۴) تمایز «نومن» و «فنومن» کانت.

پاسخ تشریحی: گزینه ۲ صحیح است. دموکریتوس می‌گفت حواس به ما رنگ و بو (کیفیات ثانویه) را نشان می‌دهند که تاریک و غیرواقعی‌اند. عقل به ما شکل و اندازه اتم‌ها (کیفیات اولیه) را نشان می‌دهد که واقعی‌اند. این دقیقاً همان تفکیکی است که گالیله و جان لاک در عصر مدرن احیا کردند.

سوفسطائیان و سقراط (پروتاگوراس، گریاس، روش سقراطی)

بخش ۱: مقدمه و مفاهیم بنیادی

در قرن پنجم پ.م، فلسفه از آسمان به زمین آمد. تمرکز از «طبیعت» (Physis) به «انسان و قانون» (Nomos) تغییر کرد.

۱. سوفسطائیان (Sophists): معلمان سیاری که در ازای پول، «آرته» (Arete) یا فضیلت سیاسی و فن

بیان (Rhetoric) می‌آموختند.



- پروتاگوراس: با شعار «انسان معیار همه چیز است» (Homo Mensura)، بنیان‌گذار «نسبی‌گرایی» (Relativism) شد. حقیقت مطلق وجود ندارد؛ هر چه به نظر من سرد می‌آید، برای من سرد است.
- گرگیاس: با رساله «در باب طبیعت یا عدم»، بنیان‌گذار «نیست‌انگاری» (Nihilism) معرفتی شد. او قدرت کلام را جادو می‌دانست که می‌تواند هر باوری را (فارغ از حقیقت) القا کند.
- ۲. سقراط (Socrates): فیلسوفی که خود را در برابر سوفسطائیان تعریف کرد. او به جای نسبی‌گرایی، به دنبال «تعاریف کلی» (Universal Definitions) بود.
- روش: دیالکتیک او شامل دو مرحله است: ۱. آیرونی (Irony): تظاهر به نادانی برای تخریب پیش‌فرض‌های غلط طرف مقابل. ۲. مامایی (Maieutics): کمک به زایش حقیقت از درون ذهن فرد (چون حقیقت درونی است، نه تزریقی).

بخش ۲: آنالیز رادار طراحان سوال (۱۳۹۱-۱۴۰۴)

- بررسی هوشمندانه تست‌های ۱۴ سال اخیر نشان می‌دهد طراحان روی «مرزهای باریک» تمرکز کرده‌اند:
۱. تفاوت معرفت‌شناسی: تفاوت «شکاکیت سوفسطایی» (انکار حقیقت) با «نمی‌دانم سقراطی» (جستجوی حقیقت). سوالات اغلب روی رساله «تئاتتوس» افلاطون (نقد پروتاگوراس) متمرکز هستند.
 ۲. گرگیاس و پارمنیدس: طراحان علاقه دارند بدانند آیا داوطلب می‌داند که رساله گرگیاس («در باب عدم») در واقع پقیضه‌ای (Parody) بر رساله پارمنیدس («در باب وجود») است؟
 ۳. تعریف سوفسطایی: در سال‌های اخیر (مانند ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰)، سوالاتی درباره تعریف افلاطون از سوفسطایی در رساله‌های متأخر (سوفسطایی و سیاستمدار) مطرح شده است.

بخش ۳: شاه‌کلیدها و نکات طلایی

- شاه‌کلید ۱ (انسان‌مداری): وقتی پروتاگوراس می‌گوید «انسان معیار است»، منظورش انسان «جزئی» (Individual) است، نه نوع انسان. پس حقیقت شخصی است. اما سقراط به دنبال انسان کلی و تعریف ثابت (ماهیت) بود.
- شاه‌کلید ۲ (سه‌گانه گرگیاس): استدلال گرگیاس برای رد هستی: ۱. هیچ چیز وجود ندارد. ۲. اگر وجود داشته باشد، قابل شناخت نیست. ۳. اگر قابل شناخت باشد، قابل بیان (انتقال به دیگری) نیست. این حمله مستقیم به پیوند «هستی، اندیشه و زبان» در مکتب الیایی است.
- شاه‌کلید ۳ (فضیلت علم است): سقراط معتقد بود «هیچ‌کس آگاهانه بد نمی‌کند». پس گناه ناشی از «جهل» است. این یعنی فضیلت (Arete) آموختنی و علمی است (Intellectualism).
- نکته طلایی: سقراط خود را «خرمگس» (Gadfly) آتن می‌نامید که اسب تنبل شهر را بیدار می‌کند، نه معلمی که دانش می‌فروشد.



بخش ۴: کالبدشکافی اشتباهات متداول

- **دام شماره ۱:** یکسان دانستن «دیالکتیک سقراط» با «اریستیک (Eristic) سوفسطایی».
 - تصحیح: هدف سوفسطاییان «پیروزی در بحث» (به هر قیمتی) بود، اما هدف سقراط «کشف حقیقت» و رسیدن به تعریف مشترک بود.
- **دام شماره ۲:** تصور اینکه سقراط پاسخ نهایی را می‌دانست و فقط پنهان می‌کرد.
 - تصحیح: در محاورات اولیه (سقراطی)، بحث معمولاً به «پوریا» (Aporia) یا بن‌بست می‌رسد. سقراط واقعاً نمی‌دانست (نادانی دانا)، اما می‌دانست که نمی‌داند.
- **دام شماره ۳:** خلط بین «نوموس» (قانون/قرارداد) و «فوزیس» (طبیعت).
 - تصحیح: سوفسطائیان اخلاق و دین را «نوموس» (قراردادی و متغیر) می‌دانستند، نه «فوزیس» (ثابت و طبیعی). سقراط سعی کرد نشان دهد اخلاق ریشه در طبیعت روح دارد.

بخش ۵: حل تحلیلی نمونه سوالات منتخب (Master Class)

سوال نمونه ۱ (آزمون دکتری ۱۳۹۲ - تحلیل متنی):

بر اساس کدامین تفسیر از سخن گرگیاس در رساله «درباره طبیعت» ... می‌توان او را هم‌رأی پروتاگوراس ... شمرد؟

(متن کامل سوال: سخن گرگیاس: چیزی وجود ندارد، اگر باشد شناختنی نیست... / پروتاگوراس: انسان معیار همه چیز است).

- ۱) متعلق انکار او وجود پدیداری و چیزهای جهان تجربه است.
 - ۲) معنایی عام برای «چیز» در جمله چیزی وجود ندارد باید لحاظ کرد.
 - ۳) متعلق انکار او وجود مورد نظر پارمنیدس در راه حقیقت است.
 - ۴) کل رساله درباره طبیعت فقط تقلیدی تمسخرآمیز از کتاب‌های پارمنیدس است.
- **تحلیل:** اگر گرگیاس بگوید «هیچ چیز وجود ندارد» (نیست‌انگاری مطلق)، با پروتاگوراس که می‌گوید «هر چه بر من پدیدار شود، برای من هست» (نسبی‌گرایی) متفاوت می‌شود.
 - **نقطه اتصال:** اما اگر بگوییم گرگیاس دارد «وجود مطلق و پارمنیدسی» را انکار می‌کند (گزینه ۳)، آنگاه راه برای «نمودها» و باورهای شخصی باز می‌شود که به دیدگاه پروتاگوراس نزدیک است. پروتاگوراس هم حقیقت مطلق را رد می‌کرد تا حقیقت نسبی را جایگزین کند.
 - **گزینه ۴:** این گزینه اگرچه به لحاظ تاریخی محتمل است (کتاب گرگیاس طنز پارمنیدس است)، اما شرط سوال (هم‌رأیی با پروتاگوراس در معیار بودن انسان) را مستقیماً توضیح نمی‌دهد. گزینه ۳ دقیق‌تر است زیرا با نفی «حقیقت مطلق»، زمینه را برای «حقیقت انسانی» فراهم می‌کند.
 - **پاسخ صحیح:** گزینه ۴ در کلید نهایی سنجش آمده است (زیرا اگر کل رساله طنز باشد، یعنی هدفش نشان دادن تناقضات عقل محض است، که نتیجه‌اش بازگشت به دنیای نسبی انسان‌هاست). نکته آموزشی: در تست‌های دکتری، گاهی تفسیر تاریخی (طنز بودن رساله) پاسخ مرجع است.



سوال نمونه ۲ (آزمون دکتری ۱۳۹۳ - افلاطون و سوفسطائیان):

درباره تعریف‌های معرفت در محاوره تئنتوس، کدام گزینه را نادرست می‌دانید؟

- (۱) با فقدان نظریه مثل هیچ تعریفی نمی‌تواند نهایی باشد.
 - (۲) هر کدام از این تعریف‌ها بر مرتبه‌ای از شناسایی دلالت می‌کند.
 - (۳) نظریه انسان‌معیاری پروتاگوراس ناظر بر جهان محسوس است.
 - (۴) برای رسیدن به معرفت نیازی به ادراک حسی یا حکم یا توجیه نداریم.
- تحلیل: در تئنتوس، سه تعریف برای معرفت بررسی و رد می‌شود: ۱. ادراک حسی (پروتاگوراس)، ۲. پندار درست، ۳. پندار درست با توجیه.
 - افلاطون نشان می‌دهد که بدون «مثل»، معرفت ممکن نیست (گزینه ۱ صحیح است).
 - نظریه پروتاگوراس (ادراک حسی) فقط در جهان محسوسات معتبر است (گزینه ۳ صحیح است).
 - گزینه ۴: این جمله نادرست است. افلاطون هیچ‌گاه نگفت «نیاز نداریم»؛ بلکه گفت این‌ها «کافی» نیستند. معرفت در نهایت باید به دیدار مثل ختم شود، اما از مسیر دیالکتیک می‌گذرد.
 - پاسخ صحیح: گزینه ۴.

بخش ۶: خلاصه کپسولی

متفکر	شعار / اثر کلیدی	دیدگاه معرفتی	روش / پیامد
پروتاگوراس	انسان معیار همه‌چیز است	نسبی‌گرایی (Relativism)	حقیقت = ادراک حسی فردی.
گرگیاس	رساله در باب عدم (طبیعت)	شکاکیت/نیست‌انگاری	جدایی زبان از واقعیت؛ قدرت اقناع (Rhetoric).
سقراط	نمی‌دانم (Ignorance)	رئالیسم مفهومی	جستجوی تعریف کلی؛ فضیلت = معرفت.

بخش ۷: بانک سوالات طبقه‌بندی شده (ادوار گذشته ۱۳۹۱-۱۴۰۴)

۱. در تعیین مصداق برای تعریف‌هایی که افلاطون در محاوره سوفسطایی برای طبقه سوفسطایی ارائه

می‌کند، سقراط چه جایگاهی دارد؟ (دکتری ۱۳۹۹)

- (۱) در مقابل سوفسطائیان است.
- (۲) ابطال‌گر هر سخنی از هر کسی است.
- (۳) شکارچی جوانان جویای نام است.
- (۴) سوفسطایی شریف، بوجاری‌گر (غربال‌گر) سخن‌هاست.